
الزلزله
قرآن مجید
به همراه ۲۸ ترجمه و ۶ تفسیر
به زبان های زنده دنیا
آشنایی. اعراب آیات. آوانگاری قرآن

بسم الله الرحمن الرحیم

قرآن مجید - ۲۸ ترجمه - ۶ تفسیر

نویسنده:

جمعی از نویسندگان

ناشر چاپی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۹۹. سوره الزلزله

مشخصات کتاب

سرشناسه:مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان،۱۳۸۸ عنوان و نام پدیدآور:قرآن مجید به همراه ۲۸ ترجمه و ۶ تفسیر/ مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان مشخصات نشر دیجیتالی:اصفهان:مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان ۱۳۸۸. مشخصات ظاهری:نرم افزار تلفن همراه و رایانه

موضوع:معارف قرآنی

سوره الزلزله

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ

إِذا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزالَها (۱)

وَ أَخْرَجَتِ الْأَرْضُ أَثْقالَها (۲)

وَ قالَ الْإِنْسانُ ما لَها (۳)

يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبارَها (۴)

بِأَنَّ رَبَّكَ أَوْحى لَها (۵)

يَوْمَئِذٍ يَصْدُرُ النَّاسُ أَشْتاتاً لِيُرَوْا أَعْمالَهُمْ (۶)

فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقالَ ذَرَّةٍ خَيْراً يَرَهُ (۷)

وَ مَنْ يَعْمَلْ مِثْقالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ (۸)

آشنایی با سوره

۹۹- زلزال [لرزش و زلزله]

در آیه اول وقوع زمین لرزه مهیب را هنگام ظهور قیامت بیان می کند. زلزله ای که در پی آن بر انگیختن مردم برای روز دادرسی عمومی در محشر و پاداش خوبیها و کیفر بدی ها است. نام دیگر سوره، «زلزله است. ۸ آیه دارد و بعد از سوره نساء در مدینه نازل شده است

شان نزول

دقت در حسابرسی قیامت

شأن نزول آیه های ۷ و ۸ سوره زلزله

یکی از یاران ثروتمند پیامبر، با این که در انفاق کردن بسیار کوشا بود، ولی تنها در کارهای بزرگ که به انفاق بیش تری نیاز داشت، مشارکت می کرد و برای موارد کوچک، اهمیتی قایل نمی شد. وی می گفت اجر و پاداش به کارهای بزرگ تعلق می گیرد، کارهایی که ما آن را دوست داشته باشیم، ولی اگر اندک و برای ما ارزشی نداشته باشد به آن ثواب تعلق نمی گیرد. بنابراین، فقیران و تهیدستانی را که از او کمک می خواستند، از نزد خود می راند. یکی دیگر از یاران پیامبر معمولاً از گناهان کبیره پرهیز می کرد؛ یعنی تنها گناهان بزرگ را سزاوار کیفر و عذاب الهی می دانست، در حالی که به گناهان کوچک توجه نمی کرد و به راحتی چه بسا آن را مرتکب می شد. او حتی دروغ، غیبت و نگاه کردن به نامحرم را از گناهان صغیره می دانست و آنان را انجام می داد و می گفت ما را تنها به سبب گناهان بزرگ، بازخواست می کنند. آیه های زیر نازل شد و مسلمانان را از انجام دادن گناهان کوچک بر حذر داشت و میل آنان را به انفاق های کم برانگیخت؛ زیرا بخشیدن اشیای خرد و ناچیز، انسان را به انفاق کردن اشیای زیاد برمی انگیزاند و

ارتکاب گناه کوچک نیز ممکن است راه را برای انجام دادن گناهان بزرگ بگشاید:

پس هر که هم وزن ذره ای نیکی کند، [نتیجه] آن را خواهد دید « و هر که هم وزن ذره ای بدی کند، [نتیجه] آن را خواهد دید. » (۱)

پاورقی:

(۱) نمونه بینات، ص ۸۷۵.

دقت در حسابرسی قیامت

شأن نزول آیه های ۷ و ۸ سوره زلزله

یکی از یاران ثروتمند پیامبر، با این که در انفاق کردن بسیار کوشا بود، ولی تنها در کارهای بزرگ که به انفاق بیش تری نیاز داشت، مشارکت می کرد و برای موارد کوچک، اهمیتی قایل نمی شد. وی می گفت اجر و پاداش به کارهای بزرگ تعلق می گیرد، کارهایی که ما آن را دوست داشته باشیم، ولی اگر اندک و برای ما ارزشی نداشته باشد به آن ثواب تعلق نمی گیرد. بنابراین، فقیران و تهیدستانی را که از او کمک می خواستند، از نزد خود می راند. یکی دیگر از یاران پیامبر معمولاً از گناهان کبیره پرهیز می کرد؛ یعنی تنها گناهان بزرگ را سزاوار کیفر و عذاب الهی می دانست، در حالی که به گناهان کوچک توجه نمی کرد و به راحتی چه بسا آن را مرتکب می شد. او حتی دروغ، غیبت و نگاه کردن به نامحرم را از گناهان صغیره می دانست و آنان را انجام می داد و می گفت ما را تنها به سبب گناهان بزرگ، بازخواست می کنند. آیه های زیر نازل شد و مسلمانان را از انجام دادن گناهان کوچک بر حذر داشت و میل آنان را به انفاق های کم برانگیخت؛ زیرا بخشیدن اشیای خرد و ناچیز، انسان را به انفاق کردن اشیای زیاد برمی انگیزاند و ارتکاب گناه کوچک نیز ممکن است راه را برای انجام دادن گناهان بزرگ بگشاید:

پس هر

که هم وزن ذره ای نیکی کند، [نتیجه] آن را خواهد دید « و هر که هم وزن ذره ای بدی کند، [نتیجه] آن را خواهد دید. »
(۱)

پاورقی:

(۱) نمونه بینات، ص ۸۷۵.

اعراب آیات

{بِسْمِ} حرف جر و اسم بعد از آن مجرور {اللَّهِ} مضاف الیه، مجرور یا در محل جر / فعل مقدّر یا محذوف / فاعل محذوف {الرَّحْمنِ} نعت تابع {الرَّحِيمِ} نعت تابع

{إذا} ظرف یا مفعولٌ فیه، منصوب یا در محل نصب {زُلْزِلَتِ} فعل ماضی، مبنی بر فتحه ظاهری یا تقدیری / (ت) تأنیث {الْأَرْضُ} نائب فاعل، مرفوع یا در محل رفع {زِلْزالَها} مفعول مطلق یا نائب مفعول، منصوب / (ه) ضمیر متصل در محل جر، مضاف الیه

{وَأَخْرَجَتِ} (و) حرف عطف / فعل ماضی، مبنی بر فتحه ظاهری یا تقدیری / (ت) تأنیث {الْأَرْضُ} فاعل، مرفوع یا در محل رفع {أَثْقالَها} مفعولٌ به، منصوب یا در محل نصب / (ه) ضمیر متصل در محل جر، مضاف الیه

{وَقالَ} (و) حرف عطف / فعل ماضی، مبنی بر فتحه ظاهری یا تقدیری {الْإِنْسانُ} فاعل، مرفوع یا در محل رفع {ما} مبتدا، مرفوع یا در محل رفع {لَها} حرف جر و اسم بعد از آن مجرور / خبر در تقدیر یا محذوف یا در محل

{يَوْمَئِذٍ} ظرف یا مفعولٌ فیه، منصوب یا در محل نصب / (إذ) مضاف إلیه {تُحَدِّثُ} فعل مضارع، مرفوع به ضمه ظاهری یا تقدیری / فاعل، ضمیر مستتر (هی) در تقدیر {أَخْبارَها} مفعولٌ به، منصوب یا در محل نصب / (ه) ضمیر متصل در محل جر، مضاف الیه

{بِأَنَّ} (ب) حرف جر / حرف مشبه بالفعل یا حرف نفی ناسخ {رَبَّكَ} اسم أنّ، منصوب یا در محل نصب / (ك)

ضمیر متصل در محل جر، مضاف الیه {أَوْحی} فعل ماضی، مبنی بر فتحه ظاهری یا تقدیری / فاعل، ضمیر مستتر (هو) در تقدیر / خبر أنَّ محذوف {لَها} حرف جر و اسم بعد از آن مجرور

{يَوْمَئِذٍ} ظرف یا مفعولٌ فیه، منصوب یا در محل نصب / (إذ) مضاف إلیه {يَصْدُرُ} فعل مضارع، مرفوع به ضمه ظاهری یا تقدیری {النَّاسُ} فاعل، مرفوع یا در محل رفع {أَشْتاتاً} حال، منصوب {لِيُرَوْا} (ل) حرف نصب / فعل مضارع، منصوب به حذف نون / (و) ضمیر متصل در محل رفع، نائب فاعل {أَعْمالَهُمْ} مفعولٌ به، منصوب یا در محل نصب / (ه) ضمیر متصل در محل جر، مضاف الیه

{فَمَنْ} (ف) حرف عطف / اسم شرط جازم در محل رفع و مبتدا {يَعْمَلْ} فعل مضارع، مجزوم به سکون / فاعل، ضمیر مستتر (هو) در تقدیر / خبر در تقدیر یا محذوف یا در محل {مِثْقالَ} مفعولٌ به، منصوب یا در محل نصب {ذَرَّةٍ} مضاف الیه، مجرور یا در محل جر {خَيْراً} تمییز، منصوب {يَرَهُ} فعل مضارع مجزوم به حذف حرف عله (ی) / (ه) ضمیر متصل در محل نصب، مفعولٌ به / فاعل، ضمیر مستتر (هو) در تقدیر

{وَمَنْ} (و) حرف عطف / اسم شرط جازم در محل رفع و مبتدا {يَعْمَلْ} فعل مضارع، مجزوم به سکون / فاعل، ضمیر مستتر (هو) در تقدیر / خبر در تقدیر یا محذوف یا در محل {مِثْقالَ} مفعولٌ به، منصوب یا در محل نصب {ذَرَّةٍ} مضاف الیه، مجرور یا در محل جر {شَرًّا} تمییز، منصوب {يَرَهُ} فعل مضارع مجزوم به حذف حرف عله (ی) / (ه) ضمیر متصل در محل نصب، مفعولٌ به /

فاعل، ضمیر مستتر (هو) در تقدیر

آوانگاری قرآن

.Bismi Allahi alrrahmani alrraheemi

Itha zulzilati al-ardu zilzalaha.۱

Waakhrajati al-ardu athqalaha.۲

Waqala al-insanu ma laha.۳

Yawma-ithin tuhaddithu akhbaraha.۴

Bi-anna rabbaka awha laha.۵

Yawma-ithin yasduru alnnasu ashtatan liyuraw aAAmalahum.۶

Faman yaAAmal mithqala tharratin khayran yarahu.۷

Waman yaAAmal mithqala tharratin sharran yarahu.۸

ترجمه سوره

ترجمه فارسی استاد فولادوند

به نام خداوند رحمتگر مهربان

آنگاه که زمین به لرزش [شدید] خود لرزانیده شود، (۱)

و زمین بارهای سنگین خود را برون افکند، (۲)

و انسان گوید: «[زمین را چه شده است؟» (۳)

آن روز است که [زمین خبرهای خود را باز گوید. (۴)

[همان گونه که پروردگارت بدان وحی کرده است. (۵)

آن روز، مردم [به حال پراکنده برآیند تا [نتیجه کارهایشان به آنان نشان داده شود. (۶)

پس هر که هموزن ذرّه ای نیکی کند [نتیجه آن را خواهد دید. (۷)

و هر که هموزن ذرّه ای بدی کند [نتیجه آن را خواهد دید. (۸)

ترجمه فارسی آیت الله مکارم شیرازی

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر.

«۱» هنگامی که زمین شدیداً به لرزه درآید،

«۲» و زمین بارهای سنگینش را خارج سازد!

«۳» و انسان می گوید: (زمین را چه می شود [که این گونه می لرزد]؟!)

«۴» در آن روز زمین تمام خبرهایش را بازگو می کند؛

«۵» چرا که پروردگارت به او وحی کرده است!

«۶» در آن روز مردم بصورت گروه های پراکنده [از قبرها] خارج می شوند تا اعمالشان به آنها نشان داده شود!

«۷» پس هر کس هموزن ذرّه ای کار خیر انجام دهد آن را می بیند!

«۸» و هر کس هموزن ذرّه ای کار بد کرده آن را می بیند!

ترجمه فارسی حجت الاسلام والمسلمین انصاریان

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی.

هنگامی که زمین را با [شدیدترین] لرزشش بلرزانند، (۱)

و زمین بارهای گرانش را بیرون اندازد، (۲)

و انسان بگوید: زمین را چه شده است؟ (۳)

آن روز است که زمین اخبار خود را می گوید؛ (۴)

زیرا که پروردگارت به او وحی کرده است. (۵)

آن روز مردم [پس از پایان حساب] به صورت گروه های پراکنده [به سوی منزل های ابدی خود بهشت یا دوزخ] بازمی

گردند، تا اعمالشان را [به صورت تجسم یافته] به آنان نشان دهند. (۶)

پس هرکس هموزن ذره ای نیکی کند، آن نیکی را ببیند. (۷)

و هرکس هموزن ذره ای بدی کند، آن بدی را ببیند. (۸)

ترجمه فارسی استاد الهی قمشه ای

بنام خداوند بخشنده مهربان

هنگامی که زمین به سختترین زلزله خود به لرزه درآید (۱)

و بارهای سنگین اسرار درون خویش که گنجها و معادن و اموات و غیره است همه رااز دل خاک بیرون افکند (۲)

آن روز محشر آدمی از فرط حیرت و اضطراب گوید ای عجب زمین را چه پیش آمد (۳)

آن هنگام زمین مردم را به حوادث بزرگ خویش آگاه می سازد (۴)

که خدا به او چنین الهام کند تا به سخن آید و خلق را به اخبارش آگه نماید (۵)

در آن روز قیامت مردم از قبرها پراکنده بیرون آیند تا پاداش نیك و بد اعمالخود را در حساب و میزان حق ببینند (۶)

پس در آن روز هر کس به قدر ذره ای کار نیك کرده باشد پاداش آن را خواهد دید (۷)

و هر کس به قدر ذره ای کار زشتی مرتکب شده آن هم به کیفرش

خواهد رسید صعصعه این سوره را از رسول (ص) شنید و گفت اگر دیگر هیچ از قرآن نشنوم در پند و اندرز همین سوره مرا کافی است (۸)

ترجمه فارسی حجت الاسلام والمسلمین قرائتی

به نام خداوند بخشنده ی مهربان.

آن گاه که زمین به لرزش شدید خود لرزانده شود. (۱)

و زمین بارهای سنگین خود را بیرون افکند. (۲)

و انسان بگوید: زمین را چه شده است؟ (که اینگونه سخت می لرزد). (۳)

در آن روز زمین خبرهای خود را بازگو کند. (۴)

چرا که پروردگارت به آن وحی کرده است. (۵)

در آن روز مردم به طور پراکنده (از قبرها) بیرون آیند تا کارهایشان به آنان نشان داده شود. (۶)

پس هر کس به مقدار ذرّه ای کار نیک کرده باشد همان را ببیند. (۷)

و هر کس هم وزن ذره ای کار بد کرده باشد آن را ببیند. (۸)

ترجمه فارسی استاد مجتبوی

به نام خدای بخشاینده مهربان

آنگاه که زمین جنبانده شود جنباندنش را - یعنی جنبشی سخت که برای برپایی رستاخیز نوشته شده -. (۱)

و زمین بارهای گرانش - مردگان - را بیرون آرد. (۲)

و آدمی گوید که آن را چه شده - که اینگونه سخت می جنبد -؟ (۳)

در آن روز زمین خبرهایش را باز گوید، (۴)

بدان سبب که پروردگارت به او وحی کرده است. (۵)

آن روز مردمان از گورها گروه گروه باز گردند تا کردارهاشان را بدیشان بنمایند. (۶)

پس هر که همسنگ ذره ای - یا مورچه ای خرد - نیکی کند آن را ببیند. (۷)

و هر که همسنگ ذره ای بدی کند آن را ببیند. (۸)

ترجمه فارسی استاد آیتی

به نام خدای بخشاینده مهربان

آنگاه که زمین لرزانده شود به سختترین لرزه هایش، (۱)

و زمین بارهای سنگینش را بیرون ریزد، (۲)

و آدمی بگوید که زمین را چه رسیده است؟ (۳)

در این روز زمین خبرهای خویش را حکایت می کند: (۴)

از آنچه پروردگارت به او وحی کرده است. (۵)

در آن روز مردم پراکنده از قبرها بیرون می آیند تا اعمالشان را به آنها بنمایانند. (۶)

پس هر کس به وزن ذره ای نیکی کرده باشد آن را می بیند. (۷)

و هر کس به وزن ذره ای بدی کرده باشد آن را می بیند. (۸)

ترجمه فارسی استاد خرمشاهی

به نام خداوند بخشنده مهربان

آنگاه که زمین به زلزله [ی واپسین]اش بلرزد (۱)

و زمین بارهایش را بیرون ریزد (۲)

و انسان گوید آن را چه می شود؟ (۳)

در چنین روز رازهایش را باز گوید (۴)

از آنکه پروردگارت به او الهام فرستاده است (۵)

در چنین روز انسانها گروه گروه باز گردند تا [نتیجه و حاصل] کارهایشان را به آنان بنمایانند (۶)

پس هر کس هم سنگ ذره ای عمل خیر انجام داده باشد، [پاداش] آن را می بیند (۷)

و هر کس هم سنگ ذره ای عمل ناشایست انجام داده باشد، [کیفر] آن را می بیند (۸)

ترجمه فارسی استاد معزی

بنام خداوند بخشاینده مهربان

گاهی که بلرزد زمین لرزشش را (۱)

و برون آرد زمین گرانهایش را (یا سنگین ها یا کالاهایش را) (۲)

و گوید انسان چیست آن را (۳)

آن روز بسراید داستانهایش را (۴)

که پروردگارت سروش فرستاد بدان (۵)

آن روز برون آیند مردم گوناگون تا نمایانده شوند کردارهای خویش را (۶)

پس هر که کند سنگینی ذرّه نیکی بیندش (۷)

و هر که کند سنگینی ذرّه بدی بیندش (۸)

ترجمه انگلیسی قرائی

.In the Name of Allah, the All-beneficent, the All-merciful

When the earth is rocked with a terrible quake ۱

,and the earth discharges her burdens ۲

’?and man says, ‘What is the matter with her ۳

On that day she will relate her chronicles ۴

.for her Lord will have inspired her ۵

.On that day, mankind will issue forth in various groups to be shown their deeds ۶

,So whoever does an atom’s weight of good will see it ٧

.and whoever does an atom’s weight of evil will see it ٨

ترجمه انگلیسی شاکر

(When the earth is shaken with her (violent) shaking, (١

(And the earth brings forth her burdens, (٢

(And man says: What has befallen her? (٣

(On that day she shall tell her news, (۴

(Because your Lord had inspired her. (۵

On that day men shall come forth in sundry bodies that they may be shown their (works. (۶

(So. he who has done an atom's weight of good shall see it (٧

(And he who has done an atom's weight of evil shall see it. (٨

ترجمه انگلیسی ایروینگ

!In the name of God, the Mercy-giving, the Merciful

,When earth is shaken in her [final] quaking (١)

,and earth throws forth her burdens (٢)

"?and everyman says: "What is [happening] to her (٣)

on that day she will report her news (۴)

.which your Lord has inspired her with (۵)

;On that day men will appear in droves to be shown their actions (۶)

;and whoever has done an atom's weight of good will see it (۷)

.while whoever has done an atom's weight of evil will see it (۸)

ترجمه انگلیسی آربری

In the Name of God, the Merciful, the Compassionate

(When earth is shaken with a mighty shaking (۱

(and earth brings forth her burdens, (۲

(and Man says, `What ails her?' (۳

(upon that day she shall tell her Tidings (۴

(for that her Lord has inspired her. (۵

(Upon that day men shall issue in scatterings to see their works, (۶

(and whoso has done an atom's weight of good shall see it, (۷

(and whoso has done an atom's weight of evil shall see it. (۸

ترجمه انگلیسی پیکتال

.In the name of Allah, the Beneficent, the Mercifu

(When Earth is shaken with her (final) earthquake (۱

(And Earth yieldeth up her burdens, (۲

(And man saith: What aileth her? (۳

(That day she will relate her chronicles, (۴

(Because thy Lord inspireth her. (۵

(That day mankind will issue forth in scattered groups to be shown their deeds. (۶

۷) And whoso doeth good an atom's weight will see it then,)

۸) And whoso doeth ill an atom's weight will see it then.)

ترجمه انگلیسی یوسفعلی

In the name of Allah Most Gracious Most Merciful.

۱) When the Earth is shaken to her (utmost) convulsion.)

۲) And the Earth throws up her burden (from within))

۳) And man cries (distressed): `What is the matter with her?)

۴) On that Day will she declare her tidings:)

۵) For that thy Lord will have given her inspiration.)

On that Day will men proceed in companies sorted out to be shown the Deeds that
۶) (they (had done).)

۷) Then shall anyone who has done an atoms weight of good see it!)

۸) And anyone who has done an atoms weight of evil shall see it.)

ترجمه فرانسوی

Au nom d'Allah, le Tout Miséricordieux, le Très Miséricordieux.

۱. Quand la terre tremblera d'un violent tremblement,

۲. et que la terre fera sortir ses fardeaux,

۳. et que l'homme dira: «Qu'a-t-elle?»

۴. ce jour-là, elle contera son histoire,

۵. selon ce que ton Seigneur lui aura révélé [ordonné].

۶. Ce jour-là, les gens sortiront séparément pour que leur soient montrées leurs oeuvres.

۷. Quiconque fait un bien fût-ce du poids d'un atome, le verra,

۸. et quiconque fait un mal fût-ce du poids d'un atome, le verra.

ترجمه اسپانیایی

۱. Cuando sea sacudida la tierra por su terremoto,

۲. expulse la tierra su carga

۳. y el hombre se pregunte: «¿Qué es lo que le pasa?»,

۴. ese día contará sus noticias,

۵. según lo que tu Señor le inspire.

۶. Ese día los hombres surgirán en grupos, para que se les muestren sus obras.

۷. Quien haya hecho el peso de un átomo de bien, lo verá.

۸. Y quien haya hecho el peso de un átomo de mal, lo verá.

ترجمه آلمانی

Im Namen Allahs, des Gnädigen, des Barmherzigen.

۱. Wenn die Erde erschüttert wird,

۲. Und die Erde ihre Lasten herausgibt,

۳. Und der Mensch spricht: «Was ist ihr?»

۴. An jenem Tage wird sie ihre Geschichten erzählen;

۵. Weil Sich dein Herr in bezug auf sie offenbart hat.

۶. An jenem Tage werden die Menschen in zerstreuten Gruppen hervorkommen, damit ihnen ihre Werke gezeigt werden.

۷. Wer auch nur eines Stنubchens Gewicht Gutes tut, der wird es dann schauen,

۸. Und wer auch nur eines Stنubchens Gewicht Bses tut, der wird es dann schauen.

ترجمه ایتالیایی

In nome di Allah, il Compassionevole, il Misericordioso

۱. Quando la terra sarà agitata nel terremoto ,

۲. la terra rigetterà i suoi fardelli ,

۳. e dirà l'uomo: «Cosa le succede?»

۴. In quel Giorno racconterà le sue storie ,

۵. giacché il tuo Signore gliele avrà ispirate.

۶. In quel Giorno gli uomini usciranno in gruppi , affinché siano mostrate loro le loro opere .

۷. Chi avrà fatto [anche solo] il peso di un atomo di bene lo vedrà,

۸. e chi avrà fatto [anche solo] il peso di atomo di male lo vedrà .

ترجمه روسی

Во имя Аллаха Милостивого, Милосердного!

۱. Когда сотрясется земля своим сотрясением,

۲. и изведет земля свои ноши,

۳. и скажет человек: "Что с нею?" –

۴. в тот день расскажет она свои вести,

۵. потому что Господь твой внушит ей.

۶. В тот день выйдут люди толпами, чтобы им показаны были их деяния;

۷. и кто сделал на вес пылинки добра, увидит его,

۸. и кто сделал на вес пылинки зла, увидит его.

ترجمه ترکی استانبولی

Rahman ve rahîm Allah adiyle.

۱- Yeryüzü, iddetli bir depremle sarslnca.

۲- Ve yeryüzü, ağrlklarn çkarnca.

۳- Ve insan, ne oluyor ki buna deyince.

۴- O gün, bütün haberlerini anlatnca.

۵- ünkü Rabbin, vahyetmi tir, bildirmi tir ona.

۶- O gün insanlar, gittikleri yerden gelirler, yaptklarn grmek için.

۷- Artk kim, bir zerre ağrl hayr yapm sa grür onu.

۸- Ve kim, bir zerre ağrl er yapm sa grür onu.

ترجمه آذربایجانی

Mərhəmətli, rəhmli Allahın adı ilə!

۱. Yer özünə məxsus bir şiddətlə lərzəyə gəlib titrəyəcəyi zaman;

۲. Yer öz yükünü çıxardıb atacağı zaman;

۳. İnsan (təəccüblə): "Buna (bu yerə) nə olub?" - deyəcəyi zaman -

۴. Məhz o gün (yer) öz hekayətini söyləyəcəkdir -

۵. Cünki (bunu) ona sənin Rəbbin vəhy etmişdir (buyurmuşdur)!

۶. O gün insanlar əməllərinin özlərinə göstərilməsi üçün (qəbirlərindən məhşərə) dəstə-dəstə çıxacaqlar! (Cənnətliklər sağ tərəfə, cəhənnəmliklər isə sol tərəfdə olacaqlar).

۷. Kim (dünyada) zərrə qədər yaxşı iş görmüşdürsə, onu (onun xeyrini) görəcəkdir (mükafatını alacaqdır)).

۸. Kim də zərrə qədər pis iş görmüşdürsə, onu (onun zərərini) görəcəkdir (cəzasını çəkəcəkdir).

ترجمه اردو

شروع خدا کا نام لے کر جو بڑا مہربان نہایت رحم والا ہے

١. جب زمین بھونچال سے ہلا دی جائے گی

٢. اور زمین اپنے (اندر) کے بوجھ نکال ڈالے گی

٣. اور انسان کہے گا کہ اس کو کیا ہوا ہے؟

۴. اس روز وہ اپنے حالات بیان کردے گی

۵. کیونکہ تمہارے پروردگار نے اس کو حکم بھیجا (ہوگا)

۶. اس دن لوگ گروہ گروہ ہو کر آئیں گے تاکہ ان کو ان کے اعمال دکھا دیئے جائیں

٧. تو جس نے ذرہ بھر نیکی کی ہو گی وہ اس کو دیکھ لے گا

٨. تو جس نے ذرہ بھر نیکی کی ہو گی وہ اس کو دیکھ لے گا

ترجمه پشتو

١. شروع کوم د الله په نامه چې ډېر زیات مهربانه او پوره رحم لرونکی دی. کله چې ځمکه سخته وخوځول شي

٢. او ځمکه خپل درانه شيان راوباسي

٣. او انسان به ووايي چې پدې (ځمکه) څه شوي دي چې داسې خوځيږي

۴. په دغه ور□ ک□□ به □مکه خپل□ □ول□ خبر□ بیانوی

۵. □که چ□ ستا رب هغ□ ته امر ک□□ د□

۶. پدغه ور□ به خلك □ولی □ولی (له قبرونو) راو□ی چ□ د هغوی عملونه هغوی ته و□ودل شی

۷. نو □وك چ□ د یو□ ذر□ په اندازه □ه کار کوی هغه به (د هغ□ جزا) وینی

۸. او □وك چ□ د ذر□ په اندازه بد کار کوی هغه به (د هغ□ سزا) وینی

ترجمه كردى

۱. Gava zemîn bi heja (zor) hejya.

۲. Û (gava) zemîn (ji hundurê xwe kanî û gewherê xweyên) giran derxistine (derva).

۳. (gava) meriv (aha) di bêje, "Ji bona (zemîn ra)çi bûye (ku aha diheje)?"

۴. Di vê rojê da (zemîn) ji hemî (bûyerên, ku li ser hatine kirinê) di peyîve.

۵. Loma bi rastî Xuda yê te li bal (zemîn da) niqandibû, (ku hemû bûyeran bêje).

۶. Di wê rojê da, meriv deste deste (ji qorê xwe) derdikevin, ji bo ku kirine xwe bi bînin.

۷. Îdî kîjanî wekî çirûskekî qenccîyek kiribe, wê ewê hey (hemberya wê qencîya xwe) bibîne.

۸. Û kîjanî jî wekî çiruskekî sikatîyek kiribe; wê ewê hey (hemberya wê sikatîya xwe) bibîne.

ترجمه اندونزى

Dengan menyebut nama Allah Yang Maha Pemurah lagi Maha Penyayang.

۱) Demi kuda perang yang berlari kencang dengan terengah-engah.

۲) Dan kuda yang mencetuskan api dengan pukulan (kuku kakinya),

۳) Dan kuda yang menyerang dengan tiba-tiba di waktu pagi,

(Maka ia menerbangkan debu,(۴

(Dan menyerbu ke tengah- tengah kumpulan musuh,(۵

(Sesungguhnya manusia itu sangat ingkar tidak berterima kasih kepada Tuhannya,(۶

(Dan sesungguhnya manusia itu menyaksikan (sendiri) keingkarannya,(۷

(Dan sesungguhnya dia sangat bakhil karena cintanya kepada harta.(۸

ترجمه مالیزیایی

Dengan nama Allah, Yang Maha Pemurah, lagi Maha Mengasihani

(Apabila bumi digegarkan dengan gegaran yang sedahsyat-dahsyatnya, (۱

(Serta bumi itu mengeluarkan segala isinya, (۲

Dan berkatalah manusia (dengan perasaan gerun); "Apa yang sudah terjadi kepada (bumi?" (۳

(Pada hari itu bumipun menceritakan khabar beritanya: (۴

(Bahawa Tuhanmu telah memerintahnya (berlaku demikian). (۵

Pada hari itu manusia akan keluar berselerak (dari kubur masing-masing) - untuk (diperlihatkan kepada mereka (balasan) amal-amal mereka. (۶

Maka sesiapa berbuat kebajikan seberat zarah, nescaya akan dilihatnya (dalam surat (amalnya)! (۷

Dan sesiapa berbuat kejahatan seberat zarah, nescaya akan dilihatnya (dalam surat (amalnya)! (۸

ترجمه سواحیلی

Kwajina la Mwenyeezi Mungu, Mwingi wa rehema, Mwenye kurehemu

.Itakapotetemeshwa ardhi kwa mtetemeko wake .۱

۲. Na ikatoa ardhi mizigo yake.

۳. Na mtu akasema: Ina nini!

۴. Siku hiyo itatoa khabari zake.

۵. Kwa kuwa Mola wako ameiamrisha.

۶. Siku hiyo wataondoka watu wametawanyika ili waonyeshwe vitendo vyao.

۷. Basi anayefanya wema sawa na chembe atauona.

۸. Na anayefanya uovu sawa na chembe atauona.

تفسیر سوره

تفسیر المیزان

صفحه ی ۵۸۰

(۹۹) سوره زلزال مدنی است و هشت آیه دارد (۸)

[سوره الزلزله (۹۹): آیات ۱ تا ۸] ترجمه آیات به نام خداوند رحمان و رحیم.

وقتی که زمین آن زلزله مخصوصش را آغاز می کند (۱).

و زمین آنچه از مردگان (و یا معادن) که در شکم دارد بیرون می ریزد (۲).

و انسانها از در تعجب می پرسند: زمین را چه شده است (۳).

در آن روز زمین اخبار و اسرار خود را شرح می دهد (۴).

آری پروردگار تو به وی وحی کرده که به زبان آید و اسرار را بگوید (۵).

در آن روز مردم یک جور محشور نمی شوند بلکه طایفه هایی مختلفند تا اعمال هر طایفه ای را به آنان نشان دهند (۶).

پس هر کس به سنگینی یک ذره عمل خیری کرده باشد آن را می بیند (۷).

و هر کس به سنگینی یک ذره عمل شری کرده باشد آن را خواهد دید (۸).

صفحه ی ۵۸۱

بیان آیات در این سوره سخن از قیامت و زنده شدن مردم برای حساب، و اشاره به بعضی از علامتهایش رفته، که یکی زلزله زمین، و یکی دیگر سخن گفتن آن از حوادثی است که در آن رخ داده. و این سوره هم می تواند مکی باشد و هم مدنی.

" إِذا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزالَها" کلمه"

زلزال" ماننـد کلمه" زلزله" مصـدر و به معنـاى نوسـان و تکـان خوردن پى در پى است، و اینکه این مصـدر را به ضـمیر زمین اضافه کرد، و فرمود" زمین زلزله اش را سـر می دهد" به ما مى فهماند که زمین زلزله اى خاص به خود دارد، و این مى رساند که زلزله مذکور امرى عظیم و مهم است، زلزله اى است که در شدت و هراسناکى به نهایت رسیده است.

[مقصود از اینکه در قیامت زمین" اثقال" خود را بیرون مى کند و" انسان" مى گوید آن را چه شده است

" وَ أَخْرَجَتِ الْأَرْضُ أَثْقالَها" کلمه اثقـال جمع کلمه" ثقـل "- به فتحه ثـاء و فتحه قـاف- است، که به معنـاى متـاع و کالا و یا خصوص متاع مسافرین است. ممکن هم هست جمع کلمه" ثقل "- به کسـره ثاء و سکون قاف- باشد که به معناى حمل باشد، به هر حـال چه آن باشـد و چه این، مراد از اثقـال زمین که در قیـامت زمین آنهـا را بیرون مى ریزد- به طـورى که دیگران هم گفته اند «۱»- مردگان و یا گنجها و معادنى است که در شـکم خود داشـته. و ممکن هم هست منظور همه اینها باشد، که البته براى هر سه قول قـائلینى هست، و اولین قول به نظر نزدیـک ترین قول است، و از آن گذشـته قول سوم است که اشـاره دارد بر اینکه خارج شـدن براى حساب است، و جمله" یَوْمَئِذٍ یَصْدُرُ النَّاسُ " اشاره دارد به اینکه بعد از بیرون شدن، به سوى جزا روانه مى شوند.

" وَ قـالَ الْإِنْسـانُ مـا لَها" یعنى انسانها بعـد از بیرون شـدن از خاک در حال دهشت زدگى و تعجب از آن زلزله شدیـد و هول انگیز مى گویند:"

ما للارض" زمین را چه می شود که این طور متزلزل است؟! بعضی «۲» از مفسرین گفته اند: منظور از" انسان" تنها کفار هستند، نه آنهایی که در دنیا به مساله معاد و رستاخیز ایمان داشتند. بعضی دیگر سخنانی دیگر گفته اند که به زودی ان شاء اللَّه می آید.

---

(۱) روح المعانی، ج ۳۰، ص ۲۰۹.

(۲) مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۵۲۶.

صفحه ی ۵۸۲

[معنای اینکه در روز قیامت زمین به وحی الهی از اخبار خود سخن می گوید]

" یَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبارَها بِأَنَّ رَبَّکَ أَوْحی لَها" آن گاه زمین به اعمالی که بنی آدم کردند شهادت می دهد، همانطور که اعضای بدن خود انسانها و نویسندگان اعمالش یعنی ملائکه رقیب و عتید و نیز شاهدان اعمال که از جنس بشر و یا غیر بشرند همه بر اعمال بنی آدم شهادت می دهند.

و در جمله" بِأَنَّ رَبَّکَ أَوْحی لَها" حرف لام به معنای" الی- به سوی" است، چون مصدر" ایحاء" که فعل" أوحی" مشتق از آن است با حرف" الی" متعدی می شود، و معنای جمله این است که: زمین به سبب اینکه پروردگار تو به آن وحی کرده و فرمان داده تا سخن بگوید از اخبار حوادثی که در آن رخ داده سخن می گوید، پس معلوم می شود زمین هم برای خود شعوری دارد، و هر عملی که در آن واقع می شود می فهمد، و خیر و شرش را تشخیص می دهد، و آن را برای روز ادای شهادت تحمل می کند، تا روزی که به او اذن داده شود، یعنی روز قیامت شهادت خود را ادا کرده، اخبار حوادث واقعه در آن را بدهد. و در تفسیر آیه" وَ إِنْ مِنْ شَیْ ءٍ إِلَّا یُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَ

لِكِنْ لاـ تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ" «۱»، و نیز در تفسیر آیه" قالُوا أَنْطَقَنَا اللَّهُ الَّذِی أَنْطَقَ کُلَّ شَیْ ءٍ" «۲» گذشت، که از کلام خدای سبحان به دست می آید که حیات و شعور در تمامی موجودات جاری است، هر چند که ما از نحوه حیات آنها بی خبر باشیم.

در بین مفسرین اختلاف شدیدی به راه افتاده در اینکه معنای خبر دادن زمین به وسیله وحی از حوادثی که در آن واقع شده چیست؟ آیا خدای تعالی زمین مرده را زنده می کند، و به آن شعور می دهد تا از حوادث خبر دهد؟ «۳» و یا اینکه صوتی در روی زمین خلق می کند تا آن صوت خبر دهد «۴» و یا آنکه زمین به زبان حال دلالت می کند بر اینکه بر پشت آن چه حوادثی رخ داده؟

لیکن بعد از آنکه بیان ما را شنیدی هیچ جایی برای این اختلاف نیست، علاوه بر این با هیچ یک از این وجوه و هیچ یک از اقسام شهادت که در این وجوه آمده حجت تمام نمی شود «۵».

---

(۱) هیچ چیزی نیست مگر آنکه خدای را با حمد خود تسبیح می کند، اما شما تسبیح آنان را نمی فهمید. سوره اسری، آیه ۴۴.

(۲) گفتند همان کسی ما را به زبان آورد که هر چیزی را به زبان آورده. سوره حم سجده، آیه ۲۱.

(۳) که در این صورت از روزی که زنده و با شعور می شود حوادث را می فهمد و می تواند تنها از آن حوادث خبر دهد، نه از حوادثی که در دنیا یعنی در دوران بی شعوریش در آن رخ داده." مترجم".

(۴) در این صورت نیز همان اشکال وارد است، علاوه بر اینکه زمین خبر نداده بلکه صاحب

صوت خبر داده، و آیه شریفه خبر دادن را به زمین نسبت داده" مترجم".

(۵) و وقتی زمین به یکی از این وجوه شهادت دهد بندگان خدا می توانند شهادت او را انکار کنند، چون در وجه اول خواهند گفت زمین در دنیا حیات و شعور نداشت، و در وجه دوم خواهند گفت ما صاحب صوت را نمی شناسیم، و نمی دانیم در دنیا با ما بوده یا نه، و در وجه سوم خواهند گفت زبان حال هیچگونه حجیت و مدرکیتی ندارد." مترجم".

[معنای اینکه فرمود:" يَوْمَئِذٍ يَصْدُرُ النَّاسُ أَشْتاتاً ..." و بیان عدم منافات بین آیه:" فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقالَ ذَرَّةٍ ..." با آیاتی که بر حبط اعمال، تبدیل و تکفیر سیئات و انتقال حسنات و سیئات دلالت دارند]

" يَوْمَئِذٍ يَصْدُرُ النَّاسُ أَشْتاتاً لِيُرَوْا أَعْمالَهُمْ" کلمه" صدور" که فعل" یصدر" از آن مشتق شده به معنای برگشتن شتر از لب آب بعد از رفتنش بدانجا است. و کلمه" أشتات" مانند کلمه" شتی" جمع شتیت است، که به معنای متفرق است. و آیه شریفه جواب دوم است برای کلمه" اذا"، بعد از جواب اول یعنی آیه" يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبارَها".

و مراد از" صادر شدن مردم در قیامت با حالت تفرقه"، برگشتن آنان از موقف حساب به سوی منزلهاشان که یا بهشت است و یا آتش می باشد، در آن روز اهل سعادت و رستگاری از اهل شقاوت و هلاکت متمایز می شوند، تا اعمال خود را ببینند، جزای اعمالشان را نشانشان دهند، آن هم نه از دور، بلکه داخل در آن جزایشان کنند، و یا به اینکه خود اعمالشان را بنا بر تجسم اعمال به ایشان نشان دهند.

و بعضی «۱» از

مفسرین گفته اند: مراد از صدور مردم، بیرون شدنشان از قبور به سوی موقف حساب است، و منظور از متفرق بودنشان، متمایز بودن آنان از نظر سیما است، بعضی با روی سفید، و برخی با روی سیاه بیرون می آیند، بعضی با حالت امنیت، برخی با حالت فزع، و همچنین تمایزهای دیگر که از جزای اعمالشان و نتیجه حسابشان خبر می دهد، و تعبیر از آگهی از جزا با واژه رؤیت، و تعبیر از اعلام به نتیجه حساب با واژه" ارائه" نظیر تعبیری است که در آیه" یَوْمَ تَجِدُ کُلُّ نَفْسٍ ما عَمِلَتْ مِنْ خَیْرٍ مُحْضَراً وَ ما عَمِلَتْ مِنْ سُوءٍ" «۲»، ولی وجه اول هم به ذهن نزدیک تر و هم روشن تر است.

" فَمَنْ یَعْمَلْ مِثْقالَ ذَرَّةٍ خَیْراً یَرَهُ وَ مَنْ یَعْمَلْ مِثْقالَ ذَرَّةٍ شَرًّا یَرَهُ" کلمه" مثقال" به معنای هر وسیله ای است که با آن وزنها را می سنجند، و کلمه" ذره" به معنای آن دانه های ریز غبار است، که در شعاع آفتاب دیده می شود، البته این کلمه به معنای مورچه های ریز نیز می آید.

آیه مورد بحث به دلیل اینکه حرف" فاء" بر سر دارد تفریع و نتیجه گیری از آیه قبلی است، که سخن از ارائه اعمال بندگان داشت، و همان بیان را تاکید نموده می فهماند که از

---

(۱) روح المعانی، ج ۳۰، ص ۲۱۱.

(۲) روزی که هر کس آنچه را که از خیر و شر انجام داده می بیند. سوره آل عمران، آیه ۳۰.

کلیت ارائه اعمال هیچ عملی نه خیر و نه شر نه کوچک و نه بزرگ حتی به سنگینی ذره استثناء نمی شود، و نیز حال هر یک از صاحبان عمل خیر و عمل شر را

در یـک جمله مسـتقل بیـان نمـوده، جمله را به عنوان یـک ضـابطه و قاعـده کلی (که مورد هیـچ خصوصـیتی نـدارد) ذکر می فرماید.

در اینجـا این سؤال به ذهن می رسـد که در آیات شـریفه قرآن آیاتی هست که با این ضابطه کلی سازگار نیست، از آن جمله آیـاتی که دلالـت دارد بر حبـط و بی نتیجه شـدن اعمـال خیر به خـاطر پاره ای عوامل، و آیاتی که دلالت دارد بر انتقال اعمال خیر و شـر اشـخاص به دیگران، ماننـد انتقال حسـنات قاتل به مقتول، و گناهان مقتول به قاتل، و آیاتی که دلالت دارد بر اینکه در بعضـی توبه کاران گناه مبدل به ثواب می شود، و آیاتی دیگر که در بحث از اعمال در جلد دوم این کتاب و نیز در تفسـیر آیه" لِیَمِیزَ اللَّهُ الْخَبِیثَ مِنَ الطَّیِّبِ " «۱» گذشت.

جـواب از این سؤال این است که آیـات مـذکور حـاکم بر این دو آیه است، و بین دلیـل حـاکم و محکوم منافـاتی نیست، مثلا آیـاتی که دلالـت دارد بر حبط اعمال، شـخص صاحب عمل خیر را از مصادیق کسانی می کنـد که عمل خیر ندارنـد، و چنین کسی عمل خیر ندارد تا به حکم آیه مورد بحث آن را ببیند، و همچنین قاتلی که نگذاشت مقتول زنده بماند و عمل خیر انجام دهـد، اعمال خیرش را به مقتول می دهند، و خودش عمل خیری ندارد تا آن را ببیند، و توبه کاری که گناهش مبدل به حسـنه می شود، برای این است که گناه موافق میل او نبوده، عواملی خارجی باعث گناهکاری او شدنـد، و آن عوامل کار خیر، موافق طبعشان نیست، ولی چون می خواستند در بین مردم نیکوکار و موحد باشند، و بلکه رئیس

و رهبر آنان باشند، لذا با زبان شکار حرف زدند، پس خوبیهاشان از خودشان نیست، لذا در قیامت بدیهای توبه کاران را به آن عوامل می دهند، و خوبیهای آن عوامل را به توبه کاران، در نتیجه توبه کاران گناهی ندارند تا به حکم آیه مورد بحث در قیامت آن را ببینند، و نیز عوامل شر، کار خیری ندارند، تا به حکم آیه مورد بحث آن را ببینند- دقت فرمایید.

بحث روایتی [روایاتی در ذیل آیات سوره زلزال راجع به وقایع قیامت: اخبار زمین، رؤیت اعمال، و ...)]

در الدر المنثور است که ابن مردویه و بیهقی- در کتاب شعب الایمان- از انس بن

(۱) سوره انفال، آیه ۳۷.

مالک روایت کرده اند که رسول خدا (ص) فرمود: زمین در روز قیامت به تمامی اعمالی که در پشتش انجام شده خبر می دهد، آن گاه این آیه را تلاوت کرد: " إِذا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزالَها" تا رسید به آیه " یَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبارَها" و آن گاه فرمود هیچ می دانید اخبارش چیست؟ جبرئیل نزد من آمد و گفت: خبر زمین که زمین روز قیامت بدان گواهی می دهد، همه اعمالی است که بر پشتش انجام شده «۱».

مؤلف: نظیر این روایت را از ابو هریره نیز نقل کرده «۲».

و نیز در همان کتاب است که حسین بن سفیان در کتاب مسندش و ابو نعیم در کتاب حلیه اش از شداد بن اوس روایت کرده اند که گفت: من از رسول خدا (ص) شنیدم می فرمود: ایها الناس دنیا متاعی است حاضر که هم نیکان از آن می خورند و هم فاجران، و بدرستی آخرت وعده ای است صادق، که سلطانی قادر در آن حکومت می کند، حق را محقق و باطل را

باطل می سازد.

ایها الناس سعی کنید از طالبان آخرت باشید، و از طالبان دنیا نباشید، فرزند آخرت باشید، نه فرزند دنیا، چون هر مادری فرزندش به دنبالش می رود. (حاصل منظور آن جناب این است که خواهان آخرت باشید نه دنیا، برای اینکه علاقه به دنیا قهرا شما را به سوی مادیت و آلودگی های آن می کشد)، آن گاه فرمود: هر عملی که می کنید در حالی انجام دهید که از خدا خائف و بر حذر باشید، و بدانید که روزی شما را بر اعمالتان عرضه می دارند، و شما خواه و ناخواه خدا را ملاقات خواهید کرد، پس هر کس هموزن ذره ای عمل خیر کرده باشد، آن را خواهد دید، و هر کس هموزن ذره ای عمل زشت کرده باشد آن را خواهد دید «۳».

و در تفسیر قمی در ذیل آیه" وَ أَخْرَجَتِ الْأَرْضُ أَثْقالَها" آمده که منظور از اثقال زمین، انسانهایند. و در ذیل جمله" وَ قالَ الْإِنْسانُ ما لَها" آمده که این انسان، امیر المؤمنین (ع) است. و در ذیل آیه" یَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبارَها ... أَشْتاتاً" آمده که مردم از جهت ایمان و کفر و نفاق متفرق و اشتات می آیند، بعضی مؤمنند و برخی کافر و جمعی منافق. و در ذیل جمله" لِیُرَوْا أَعْمالَهُمْ" آمده که هر کس بالای سر اعمال خود می ایستد، و اعمال خود را اینطور فاش و هویدا می بیند «۴».

و نیز در آن کتاب در روایت ابی الجارود از امام باقر (ع) آمده که در ذیل ______________________

(۱ و ۲) الدر المنثور، ج ۶، ص ۳۸۰.

(۳) الدر المنثور، ج ۶، ص ۳۸۳.

(۴) تفسیر قمی، ج ۲، ص ۴۳۳.

آیه" فَمَنْ یَعْمَلْ مِثْقالَ ذَرَّةٍ خَیْراً

یَرَهُ"، فرمود: اگر از اهل آتش باشد، و در دنیا مثقال ذره ای عمل خیر کرده باشد، اگر برای غیر انجام داده باشد، همان عمل خیرش هم مایه حسرتش می شود، و در ذیل جمله" وَ مَنْ یَعْمَلْ مِثْقالَ ذَرَّةٍ شَرًّا یَرَهُ"، فرمود: اگر از اهل بهشت باشد در روز قیامت آن شر را می بیند و سپس خدای تعالی او را می آمرزد «۱».

---

(۱) تفسیر قمی، ج ۲، ص ۴۳۳.

تفسیر نمونه

سوره زلزله

مقدمه

این سوره در مدینه نازل شده و دارای ۸ آیه است.

محتوی و فضیلت سوره زلزله

در اینکه این سوره در مکه نازل شده است ، یا در مدینه ؟ در میان مفسران گفتگو است : بسیاری آن را مدنی می دانند، در حالی که بعضی معتقدند در مکه نازل شده ، لحن آیات آن که در باره معاد و اشراط الساعه (نشانه های وقوع رستاخیز) سخن می گوید، به آیات مکی شبیه تر است ، ولی در حدیثی آمده که ابو سعید خدری وقتی این سوره نازل شده از پیغمبر اکرم سؤ الی در باره آیه فمن یعمل مثقال ذره ... کرد، و می دانیم ((ابوسعید)) در مدینه به مسلمانان ملحق شد. <۱>

اما مدنی بودن یا مکی بودن این سوره تاءثیری در مفاهیم و تفسیر آن ندارد.

به هر حال این سوره عمده بر سه محور دور می زند:

نخست از ((اشراط الساعه)) و نشانه های وقوع قیامت بحث می کند، و در دنبال آن سخن از شهادت زمین به تمام اعمال آدمی آمده است .

در بخش سوم از تقسیم مردم به دو گروه نیکوکار و بدکار و رسیدن هر کس به اعمال خود سخن می گوید.

در فضیلت

ایـن سـوره تعـبیرات مهمی در روایـات اسـلامی آمـده ، از جمله در حـدیثی از پیغمـبر اکرم (صـلی اللّه علیه و آله و سلّم) می خوانیم : من قراءهـا فکانمـا قراء البقره و اعطی من الاجر کمن قراء ربع القرآن : ((هر کس آن را تلاوت کنـد گوئی سوره بقره را قرائت کرده ، و پاداش او به اندازه کسی است که یک چهارم قرآن را تلاوت

کرده باشد)). <۲>

و در حدیثی از امام صادق (علیه السـلام) می خوانیم که فرمود: هرگز از تلاوت سوره اذا زلزلت الارض خسته نشوید، چرا که هر کس آن را در نمازهای نافله بخوانـد هرگز به زلزله گرفتار نمی شود، و با آن نمی میرد، و به صاعقه و آفتی از آفات دنیا تا هنگام مرگ گرفتار نخواهد شد. <۳>

تفسیر :

آن روز که انسان تمام اعمالش را می بیند!

همـانگونه که در بیـان محتوای سوره اشـاره شـد آغـاز این سوره همراه است با بیان بعضـی از حوادث هول انگیز و وحشـتناک پایان این جهان و شروع رستاخیز.

نخست می فرماید: ((هنگامی که زمین شدیدا به لرزه در آید)) (اذا زلزلت الارض زلزالها). <۴>

و چنان زیر و رو شود که بارهای سنگینی را که در درون دارد خارج سازد (و اخرجت الارض اثقالها).

تعبیر به ((زلزالهـا)) (زلزله اش) یـا اشـاره به این است که در آن روز تمـام کره زمین به لرزه در می آیـد (برخلاف زلزله های معمولی که همه آنها موضعی و مقطعی است) و یا اشاره به زلزله معهود یعنی زلزله رستاخیز است <۵> <۶>

در اینکه منظور از ((اثقال)) (بارهای سنگین

) چیست ؟ مفسـران تفسیرهای متعددی ذکر کرده اند: بعضی گفته اند منظور انسانها هستند که با زلزله رستاخیز از درون قبرها به خارج پرتاب می شوند، نظیر آنچه در سوره انشقاق آیه ۴ آمده است ((و القت ما فیها و تخلت)).

و بعضی گفته اند: گنجهای درون خود را بیرون می ریزد، و مایه حسرت دنیاپرستان بی خبر می گردد. <۷>

این احتمـال نیز وجود دارد که منظور بیرون فرسـتادن مواد سـنگین و مـذاب درون زمین است که معمولاً کمی از آن به هنگام آتشـفشانها و زلزله هـا بیرون می ریزد، در پایـان جهـان آنچه در درون زمین است به دنبـال آن زلزله عظیم به بیرون پرتاب می شود.

تفسیر اول مناسب تر به نظر می رسد هر چند جمع میان این تفاسیر نیز بعید نیست .

به هر حـال ، در آن روز انسـان از دیـدن این صـحنه بی سـابقه ، سـخت متوحش می شود، و می گویـد: چه می شود که زمین اینگونه به لرزه در آمده است ، و آنچه در درون داشته بیرون ریخته ؟ (و قال الانسان مالها).

گر چه بعضـی انسان را در اینجا به خصوص انسانهای کافر تفسـیر کرده اند که در مساءله معاد و رستاخیز شک و تردید داشته انـد، ولی ظاهر این است که انسان در اینجا معنی گسترده ای دارد که همگان را شامل می شود، زیرا تعجب از اوضاع و احوال زمین در آن روز مخصوص به کافران نیست .

آیا این تعجب ، و سؤ ال ناشی از آن ، مربوط به نفخه اولی است یا دوم ؟.

ظاهر این است که همان نفخه اولی است که

نفخه پایان جهان است ، زیرا زلزله عظیم در پایان جهان رخ می دهد.

این احتمال نیز داده شده است که منظور نفخه رستاخیز و زنده شدن مردگان ، و بیرون ریختن آنها از درون زمین می باشد، زیرا آیات بعد نیز همه مربوط به نفخه دوم است .

ولی از آنجا که در آیات قرآن کرارا حوادث این دو نفخه با هم ذکر شده ، تفسیر اول با توجه به بیان زلزله وحشتناک پایان جهان مناسب تر به نظر می رسد، و در این صورت منظور از اثقال زمین معادن و گنجها و مواد مذاب درون آن است .

و از آن مهمتر اینکه : زمین در آن روز تمام خبر خود را باز می گوید (یومئذ تحدث اخبارها).

آنچه از خوبیها و بدیها، و اعمال خیر و شر، بر صفحه زمین واقع شده است ، همه را برملا می سازد، و یکی از مهمترین شهود اعمال انسان در آن روز همین زمینی است که ما اعمال خود را بر آن انجام می دهیم ، و شاهد و ناظر ما است .

در حدیثی از پیغمبر اکرم (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) می خوانیم که فرمود، ((ا تدرون ما اخبارها))؟: آیا می دانید منظور از اخبار زمین در اینجا چیست ؟

قالوا: الله و رسوله اعلم : گفتند: خدا و پیغمبرش آگاه تر است فرمود: اخبارها ان تشهد علی کل عبد و امه بما عملوا علی ظهرها، تقول عمل کذا و کذا، یوم کذا، فهذا اخبارها: منظور از خبر دادن زمین این است که اعمال هر مرد و زنی را که بر روی زمین انجام داده اند

خبر می دهد، می گوید: فلان شخص در فلان روز فلان کار را انجام داد، این است خبر دادن زمین !. <۸>

در حدیث دیگری از پیغمبر اکرم (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) می خوانیم : حافظوا علی الوضوء و خیر اعمالکم الصلاه ، فتحفظوا من الارض فانها امکم ، و لیس فیها احد یعمل خیرا او شرا الا و هی مخبره به !: مواظبت بر وضو کنید، و بهترین اعمال شما نماز است ، و مراقب زمین باشید که مادر شما است ، هیچ انسانی کار خیر یا شری بجا نمی آورد مگر اینکه زمین از آن خبر می دهد!. <۹>

از ابوسعید خدری نقل شده که می گفت : هر گاه در بیابان هستی صدایت را به اذان بلند کن ، چرا که از رسول خدا (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) شنیدم که میفرمود: لا یسمعه جن و لا انس و لا حجر الا یشهد له : هیچ جن و انس و قطعه سنگی آن را نمی شنود مگر اینکه برای او (در قیامت) گواهی می دهد. <۱۰>

آیا راستی زمین به فرمان خدا زبان می گشاید و تکلم می کند؟ یا اینکه منظور ظاهر شدن آثار اعمال انسان بر صفحه زمین است ؟ زیرا می دانیم هر عملی که انسان انجام دهد، خواه ناخواه در اطراف او آثاری بجا می گذارد، هر چند امروز برای ما محسوس نباشد، درست همانند آثاری که از خطوط انگشتان یک دوست یا دشمن بر روی دستگیره درمی ماند، و در آن روز همه این آثار ظاهر می شود، و

سخن گفتن زمین چیزی جز این ظهور بزرگ نیست ، همانگونه که گاه به یک شخص خواب آلود می گوئیم چشمان تو می گوید که دیشب نخوابیده ای ، یعنی آثار بی خوابی در آن نمایان است .

به هر حال این موضوع عجیبی نیست ، چرا که هم امروز با پیشرفت علم و دانش بشر ابزار و وسائلی اختراع شده که در همه جا، و هر لحظه ، می تواند صدای انسان را ضبط کند، یا از انسان و اعمالش عکسبرداری نماید، و به عنوان یک سند مسلم در دادگاه مطرح شود، به گونه ای که قابل هیچگونه انکار نباشد.

اگر در گذشته بعضی از شهادت زمین تعجب می کردند امروز یک نوار نازک یا یک دستگاه ضبط که به صورت یک دکمه به لباس دوخته می شود می تواند مسائل بسیاری بازگو کند.

جالب اینکه در حدیثی از علی (علیه السلام) می خوانیم که فرمود: صلوا المساجد فی بقاع مختلفه ، فان کل بقعه تشهد للمصلی علیها یوم القیامه : در قسمتهای مختلف مساجد نماز بخوانید، زیرا هر قطعه زمینی در قیامت برای کسی که روی آن نماز خوانده گواهی می دهد. <۱۱>

و در حدیث دیگری آمده است که امیر مؤ منان علی (علیه السلام) هنگامی که بیت المال را تقسیم می کرد و خالی می شد، دو رکعت نماز بجا می آورد و می فرمود:

اشهدی انی ملا ـ تک بحق ، و فرغتک بحق : (روز قیامت) گواهی ده که من تو را به حق پر کردم و به حق خالی کردم !. <۱۲>

در آیه بعد می افزاید: این به

خاطر آن است که پروردگار تو به زمین وحی کرده (بان ربک اوحی لها). <۱۳>

و زمین در اجرای این فرمان کوتاهی نمی کند، تعبیر ((اوحی)) در اینجا به خاطر آن است که چنین سخن گفتن اسرارآمیز بر خلاف طبیعت زمین است و این جز از طریق یک وحی الهی ممکن نیست .

بعضی گفته اند: منظور این است که به زمین وحی می کند آنچه در درون دارد بیرون بریزد.

ولی تفسیر اول صحیح تر و مناسب تر به نظر می رسد.

سپس می فرماید: در آن روز مردم به صورت گروه های مختلف از قبرها خارج شده ، در عرصه محشر وارد می شوند، تا اعمالشان به آنها نشان داده شود!

(یومئذ یصدر الناس اشتاتا لیروا اعمالهم).

((اشتات)) جمع شت (بر وزن شط) به معنی متفرق و پراکنده است ، این اختلاف و پراکندگی ممکن است به خاطر این باشد که اهل هر مذهبی جداگانه وارد عرصه محشر می شوند، یا اهل هر نقطهای از مناطق زمین جدا وارد می شوند، و یا اینکه گروهی با صورتهای زیبا و شاد و خندان ، و گروهی

با چهره های عبوس و تیره و تاریک در محشر گام می نهند.

یا هر امتی همراه امام و رهبر و پیشوایشان هستند، همانگونه که در آیه ۷۱ سوره اسراء آمده : یوم ندعوا کل اناس بامامهم : روزی که هر گروهی را با پیشوایشان فرا می خوانیم .

و یا اینکه مؤ منان با مؤ منان و کافران با کافران محشور می شوند.

جمع میان این تفسیرها کاملا ممکن است زیرا مفهوم آیه گسترده است .

((یصدر)) از ماده ((صدر)) (بر وزن صبر) به

معنی خارج شـدن شتران از آبگاه است که به صورت انبوه و هیجان زده بیرون می آینـد به عکس ((ورود)) که به معنی داخل شدن آنها در آبگاه است و در اینجا کنایه از خروج اقوام مختلف از قبرها و آمدنشان در محشر برای حسابرسی است .

این احتمال نیز داده شده که منظور خروجشان از محشر، و حرکت به سوی جایگاهشان در بهشت و دوزخ است .

معنی اول با آیات گذشته تناسب بیشتری دارد.

منظور از جمله لیروا اعمالهم : تا اعمالشان را به آنها نشان دهند مشاهده جزای اعمال است .

یا مشاهده نامه اعمال که هر نیک و بدی در آن ثبت است .

یا مشاهده باطنی به معنی معرفت و شناخت چگونگی اعمالشان است .

و یا به معنی ((تجسم اعمال)) و مشاهده خود اعمال است .

تفسـیر اخیر بـا ظـاهر آیه از همه موافق تر است ، و این آیه یکی از روشن ترین آیات بر مساءله تجسم اعمال محسوب می شود که در آن روز اعمال آدمی به صورتهای مناسبی تجسم می یابد و در برابر او حضور پیدا می کند، و همنشینی با آن مایه نشاط یا رنج و بلا است .

سپس به سرانجام کار هر یک از این دو گروه مؤ من و کافر، نیکوکار و بدکار، اشاره کرده می فرماید: پس کسی که به اندازه سنگینی ذره‌ای کار خیر انجام داده آن را می بیند (فمن یعمل مثقال ذره خیرا یره).

و هر کس به اندازه سنگینی ذره‌ای کار بد کرده آن را می بیند! (و من یعمل مثقال ذره شرا یره).

باز در اینجا تفسیرهای مختلفی ذکر شده که آیا

جزای اعمال را می بیند و یا نامه اعمال را مشاهده می کند و یا خود عمل را.

ظاهر این آیات نیز تاءکید مجددی است بر مساءله تجسم اعمال و مشاهده خود عمل ، اعم از نیک و بد در روز قیامت که حتی اگر سر سوزنی کار نیک یا بد باشد در برابر صاحب آن مجسم می شود و آنرا مشاهده می کند.

((مثقال)) در لغت هم به معنی ثقل و سنگینی آمده ، و هم ترازوئی که با آن سنگینی اشیاء را می سنجند، و در اینجا به همان معنی اول است .

برای ((ذره)) نیز در لغت و کلمات مفسران تفسیرهای گوناگونی ذکر شده است : گاه به معنی مورچه کوچک ، و گاه گرد و غباری که وقتی دست را بر زمین بگذاریم و برداریم به آن می چسبد، و گاه به معنی ذرات بسیار کوچک غبار که در فضا معلق است و به هنگامی که آفتاب از روزنه ای به اطاق تاریک می تابد آشکار می گردد تفسیر شده است .

می دانیم امروز کلمه ((ذره)) را به ((اتم)) نیز اطلاق می کنند و بمب اتمی را ((القنبله الذریه)) می گویند، اتم به قدری کوچک است که نه با چشم عادی ، و نه با دقیق ترین میکروسکوپها قابل مشاهده نیست ، و تنها آثار آن را مشاهده می کنند، و حجم و وزن آن با محاسبات علمی قابل سنجش است ، و به قدری کوچک است که چند میلیون روی نوک سوزنی جای می گیرد!

مفهوم ذره هر چه باشد منظور در اینجا کوچکترین وزنها است .

به هر حال

این آیه از آیـاتی است که پشت را می لرزانـد و نشـان می دهـد که حسابرسـی خداونـد در آن روز فوق العاده دقیق و حساس است ، و ترازوهای سنجش عمل در قیامت آنقدر ظریف است که حتی کوچکترین اعمال انسانی را وزن می کنند و به حساب می آورند.

۱ – دقت و سختگیری در حسابرسی قیامت

نه تنهـا از آیـات اخیر این سوره که از آیـات مختلف قرآن به خوبی اسـتفاده می شود که در حسابرسـی اعمـال در قیـامت فوق العاده دقت و موشکافی می شود، در آیه ۱۶ سوره لقمان می خوانیم : یا بنی انها ان تک مثقال حبه من خردل فتکن فی صخره او فی السـموات او فی الارض یات بها الله ان الله لطیف خبیر: پسـرم ! اگر به اندازه سنگینی دانه خردلی (عمل نیک یا بد) باشد و در دل سنگی یا در گوشه ای از آسمانها یا زمین پنهان گردد، خداوند آن را (در قیامت) برای حسابرسی می آورد، خداوند دقیق و آگاه است .

((خردل)) دانه بسیار کوچکی از گیاه معروفی است که ضرب المثل در کوچکی می باشد.

این تعبیرات نشان می دهد که در آن حسابرسـی بزرگ کوچکترین کارها محاسـبه می شود، ضـمنا این آیات هشدار می دهد که نه گناهـان کوچک را کم اهمیت بشـمرند، و نه اعمال خیر کوچک را، چیزی که مورد محاسـبه الهی قرار می گیرد هر چه باشد کم اهمیت نیست .

لذا بعضی از مفسران گفته اند این آیات زمانی نازل شد که بعضی از یاران

پیغمبر اکرم (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) نسبت به انفاق اموال کم اعتنا

بودند، و می گفتند: اجر و پاداش بر چیزهائی داده می شود که ما آن را دوست داریم ، و اشیاء کوچک چیزی نیست که مورد علاقه ما باشد، و همچنین نسبت به گناهان کوچک بی اعتنا بودند، آیات نازل شد و آنها را به خیرات کوچک ترغیب کرد، و از گناهان کوچک بر حذر داشت .

۲ - پاسخ به یک سؤ ال

در اینجا سؤ الی مطرح است و آن اینکه مطابق این آیات انسان همه اعمال خود را در قیامت اعم از نیک و بد کوچک و بزرگ می بیند، این معنی چگونه با آیات احباط و ((تکفیر)) و ((عفو)) و ((توبه)) سازگار است ؟ زیرا آیات ((احباط)) می گوید: بعضی از اعمال مانند کفر تمام حسنات انسان را از بین می برد لئن اشرکت لیحبطن عملک (زمر - ۶۵) و طبق آیات ((تکفیر)) گاهی ((حسنات)) ((سیئات)) را از بین می برد ان الحسنات یذهبن السیئات (هود - ۱۱۴).

و آیات ((عفو)) و ((توبه)) می گوید: در سایه عفو الهی یا توبه کردن ، گناهان محو می شوند، این مفاهیم چگونه با مساءله مشاهده تمام اعمال نیک و بد تطبیق می کند؟

در پاسخ این سؤ ال باید به یک نکته توجه کرد و آن اینکه : دو اصلی که در آیات فوق آمده است که می گوید انسان هر ذره ای از کار نیک و بد را می بیند به صورت یک قانون کلی است ، و میدانیم هر قانون ممکن است استثناهائی داشته باشد، آیات عفو و توبه و حباط و تکفیر در حقیقت به منزله استثناء است در این

قانون کلی .

پاسخ دیگر اینکه : در مورد احباط و تکفیر در حقیقت موازنه و کسر

و انکساری رخ می دهـد، و درست ماننـد مطالبات و بـدهیها است که از یکـدیگر کسـر می شود، هنگامی که انسان نتیجه این موازنه را می بیند در حقیقت تمام اعمال نیک و بد خود را دیده است ، همین سـخن در مورد عفو و توبه نیز جاری است ، چرا که عفو بدون لیاقت و شایستگی صورت نمی گیرد، و توبه خود نیز یکی از اعمال نیک است .

بعضـی در اینجا جواب دیگری گفته انـد که صـحیح به نظر نمی رسـد و آن اینکه افراد کافر نتیجه اعمال خوب خود را در این دنیا می بینند، همانگونه که افراد مؤ من کیفر اعمال بد خود را در این جهان می بینند.

ولی ظـاهر این است که آیـات مورد بحث مربوط به قیـامت است نه دنیـا بعلاوه این کلیت نـدارد که هر مؤ من و کافری نتیجه اعمالش را در دنیا ببیند.

۳ - جامعترین آیات قرآن

از عبـدالله بن مسـعود نقل شـده است که محکمترین آیات قرآن مجید همین آیات ((فمن یعمل مثقال ذره خیرا یره و من یعمل مثقـال ذره شـرا یره)) می باشـد و از آن تعبیر به جامعه می کرد و به راستی ایمان عمیق به محتوای آن کافی است که انسان را در مسـیر حق وادارد، و از هر گونه شر و فساد بازدارد، لذا در حدیثی آمده است که مردی خدمت پیغمبر اکرم (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) آمد عرض کرد: علمنی مما علمک الله : از آنچه خداوند به تو تعلیم داده

به من بیاموز.

پیغمبر اکرم (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) او را به مردی از یارانش سپرد، تا قرآن به او تعلیم کند، و او سوره ((اذا زلزلت الارض)) را تا به آخر به او تعلیم داد، آن مرد از جا برخاست و گفت : همین مرا کافی است (و در روایت دیگری آمده تکفینی هذه الایه : همین یک آیه مرا کفایت می کند)!

پیغمبر اکرم (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) فرمود: او را به حال خود بگذار که مرد فقیهی شد! (و طبق روایتی فرمود رجع فقیها: او فقیه شد و بازگشت !) دلیل آن هم روشن است زیرا کسی که می داند که اعمال ما حتی به اندازه یک ذره یا یک دانه خردل مورد محاسبه قرار می گیرد امروز به حساب خود مشغول می شود، و این بزرگترین اثر تربیتی روی او دارد. <۱۴>

با این حال در روایت دیگری از ابوسعید خدری آمده است که وقتی آیه فمن یعمل ... نازل شد عرض کردم ای رسول خدا آیا من همه اعمالم را می بینم ؟ فرمود: آری . گفتم : آن کارهای بزرگ را؟ فرمود: بله ، گفتم : کارهای کوچک کوچک را؟ فرمود: بله ، عرض کردم : ای وای بر من ! مادرم بنشیند و برای من عزاداری کند!

فرمود: بشارت باد بر تو ای ابوسعید! چرا که حسنات به ده برابر حساب می شود، تا هفتصد برابر، و خدا برای هر کس بخواهد آن را هم مضاعف می کند، و اما هر گناه به اندازه یک گناه مجازات دارد، یا خداوند عفو می

کند و بدان احدی با عملش نجات نخواهد یافت ! (جز اینکه کرم خدا شامل او گردد) عرض کردم حتی تو هم ای رسول خدا؟! فرمود: حتی من ، مگر اینکه خداوند مرا مشمول رحمتش سازد!. <۱۵>

خداوندا! جائی که پیامبرت با آن عظمت تنها به عفو تو دل بسته است تکلیف ما روشن است .

پروردگارا! اگر اعمال ما معیار نجات ما باشد وای به حال ما، و اگر کرم تو یار ما باشد خوشا بحال ما؟!

بارالها! آن روز که تمام اعمال کوچک و بزرگ در برابر ما مجسم می شود ما تنها به لطف عمیم تو چشم دوخته ایم .

آمین یا رب العالمین

تفسیر مجمع البیان

آشنایی با این سوره در آستانه بوستان پرطراوت و زیبای دیگری هستیم، و برای آشنایی با آن، اینک به شناسنامه اش می نگریم:

۱ - نام این سوره نام این سوره «زلزال»، به معنی «لرزش» و « زلزله» آمده است؛ چرا که در نخستین آیه از آیات این سوره، سخن از زمین لرزه هراس انگیز و مهیبی است، که در آستانه رستاخیز و پیش از برانگیخته شدن مردم برای دادرسی عمومی و پاداش و کیفر رخ می دهد.

۲ - فرودگاه آن در مورد فرودگاه این سوره دو نظر است: به باور گروهی از جمله «ابن عباس» و «قتاده» این سوره در مدینه بر قلب مصفای پیامبر فرود آمده است، امّا به باور برخی دیگر از جمله «ضحاک» و «عطاء» در مکّه.

۳ - شمار آیه ها و حروف آن در مورد آیات این سوره نیز دو نظر است:

از دیدگاه قاریان پیشین کوفه و مدینه این سوره دارای

۸ آیه است؛ امّا به باور دیگران ۹ آیه دارد، و دلیل تفاوت در آیه ۶ می باشد که برخی آن را دو آیه پنداشته اند. این سوره از ۳۵ واژه، و ۱۴۹ حرف شکل گرفته است.

۴ – پاداش تلاوت این سوره از پیامبر آورده اند که فرمود:

من قرأها فکانّما قرأ البقره واعطی من الاجر کمن قرأربع القرآن.(۲۴۹)

هر کس این سوره را تلاوت کند، گویی سوره بقره را تلاوت نموده و پاداشش به اندازه کسی است که یک چهارم قرآن را تلاوت کرده است.

«انس» آورده است که پیامبر از یکی از یاران پرسید: آیا خانواده تشکیل داده است؟

پاسخ داد: نه، من امکانات مالی برای ازدواج ندارم.

پیامبر فرمود: آیا سوره «اخلاص» همراه تو نیست؟

پاسخ داد: چرا،

فرمود: این سوره بسان یک چهارم قرآن است. آن گاه افزود آیا سوره «کافرون» با تو نیست؟

پاسخ داد: چرا،

پیامبر فرمود: این سوره هم یک چهارم قرآن است.

فرمود: سوره «زلزال» چگونه؟

گفت: چرا،

فرمود: آن هم یک چهارم قرآن است.

و آن گاه سه بار فرمود ازدواج، تشکیل خانواده، تشکیل خانواده...

تزوج، تزوج، تزوج!(۲۵۰)

از امام صادق آورده اند که فرمود:

لاـ تملوا من قرأه «اذا زلزلت الأرض...» فان من کانت قرائته فی نوافله لم یصبه الله بزلزله ابداً، و لم یمت بها، و لابصاعقه و لا بآفه من آفات الدّنیا...(۲۵۱)

هر گز از تلاوت سوره «زلزال» خسته نشوید، چرا که هر کس آن را در نمازهـای نافله اش بخوانـد هر گز به زلزله گرفتار نمی گردد، و با آن نمی میرد، و به صاعقه و آفتی از آفت های دنیا، تا لحظه مرگ گرفتار نمی شود. هر گاه جهان را بـدرود گوید، خدا بهشت

را روزی او می سازد و به او ندا می رسد که:

عبدی ابحتک جنتی فاسکن منها حیث شئت و هویت لا ممنوع و لامدفوع عنه.(۲۵۲)

بنده شایسته کردار و درست اندیش من! بهشت را بر تو روا ساخته ام، از این رو در هر کجای آن می خواهی سکونت گزین و بدان که هرگز مانعی برای تو نخواهد بود و از آنجا دور نخواهی شد.

۵ - دورنمایی از محتوای این سوره گرچه از دیدگاه مشهور این سوره در شمار سوره های مدنی است و برخی قرائن و شواهد نیز این دیدگاه را گواهی می کند، امّا مفاهیم و حال و هوای این سوره بسیار نشانگر حال و هوای سوره های مکّی است، چرا که در آن، از این بحث ها سخن رفته است:

نشانه های تکاندهنده فرارسیدن رستاخیز، نظیر:

زمین لرزه مهیب و ویرانگر،

بیرون ریخته شدن بارهای زمین از دل آن،

زنده شدن مردگان،

دادگاه بزرگ رستاخیز،

گزارش عجیب زمین یا گواهی آن.

ارائه عملکردها،

دو گروه شایسته کردار و زشت کار، و نکات درس آموز و سازنده ای که خواهد آمد.

۱ - آن گاه که زمین با [سخت ترین لرزش خود لرزانده شود،

۲ - و زمین بارهای گرانش را بیرون آورد،

۳ - و انسان [بهت زده بگوید که آن را چه شده است؟!

۴ - در آن روز، زمین خبرهای خود را باز می گوید؛

۵ - چرا که پروردگارت به آن الهام کرده است.

۶ - در آن روز مردم به صورت پراکنده [به سوی پروردگارشان باز می گردند تا [پاداش و کیفر] کارهایشان به آنان نشان

داده شود.

۷ – پس هر کس هموزن ذرّه ای

کار نیکی انجام دهد، [پاداش آن را می بیند.

۸ - و هر کس هموزن ذرّه ای کار بدی انجام دهد، [کیفر] آن را می بیند.

نگرشی بر واژه ها

زلزلـه: ایـن واژه به معنی سـخت و شدیـد آمـده است؛ درست بسـان واژه هـای «رجفت» و «رجت». و واژه «زلزال» به کسـر «ز» مصدر است و به فتح آن، اسم.

اثقال: جمع «ثقل» به معنی بار گران آمده است. در آیه شـریفه واژه «اثقال» در مورد «مردگان» به کار رفته، که در شـکم زمین خفته اند و در آسـتانه رسـتاخیز ولادت می یابند. این تعبیر در مورد کودکی که در شـکم مادر است نیز به کار رفته است. فلمّا اثقلت دعواالله...(۲۵۳)

پس هنگامی که سـنگین بار گردید خدای یکتا، پروردگار خود را خواندند که اگر به ما فرزندی شایسته داد... و از همین واژه است که در فرهنگ عرب گفته می شود: سالار و پیشوای شـجاع و مترقی و دادپیشه وزن و اعتباری برای زمین است. انّ للسـید الشجاع ثقلاً علی الارض.

اشـتات: این واژه جمـع «شت» به معنی پراکنـدگی آمـده است. این پراکنـدگی، گـاه دارای منشـأنژادی است، گـاه جغرافیـایی؛ ممکن است به خـاطر باورهـا و عقیـده هـا و عملکردهـای متنوع باشـد و ممکن است به خاطر دسـته بنـدی ها و هماهنگی های ظاهری و یا اخلاقی و عملی انسان ها.

یصدر: این واژه از ریشه «صدر» به معنی بیرون ریختن شترها از آبشخور در حال هیجان و به هم ریختگی آمده است.

تفسیر

زمین لرزه مهیب رستاخیز

در آخرین آیـات سوره پیش، از فرجـام کـار مردم درست انـدیش و درست کردار و پـاداش پرشـکوه آنـان، و نیز فرجـام شوم کفرگرایان و خودکامگان و پایمال

کنندگان حقوق و کرامت انسان ها سخن رفت، اینک در آغازین آیات این سوره نظر انسان را به فرارسیدن آن هنگام و نشانه های فرارسیدن آن لحظه های هراس انگیز و مناظر هولناک آن روز معطوف می دارد و سخت هشدار می دهد.

پیش از هر چیز می فرماید:

إِذا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزالَها

آن گاه که زمین با سخت ترین لرزش خود برای برپایی رستاخیز، آن گونه که آفریدگارش مقرّر داشته است لرزانده شود.

تعبیر «زلزالها» درآیه شریفه و اضافه آن به زمین،و نسبت دادن لرزش سخت و مهیب در آستانه رستاخیز به زمین، ممکن است به دو جهت باشد.

۱ - نخست بدان دلیل که در زلزله سخت رستاخیز کران تا کران زمین به لرزه در می آید؛ درست بر خلاف زلزله های دنیا که گوشه ای از زمین دستخوش زلزله می شود.

۲ - و دیگر بدان جهت که بر شدّت وصف ناپذیر، آن زلزله توجه دهد.

آن گاه می افزاید:

وَ أَخْرَجَتِ الْأَرْضُ أَثْقالَها

و زمین بارهای گرانش را بیرون ریزد،

به باور گروهی از جمله «ابن عباس» منظور این است که: و زمین بارهای گران خود، که مردگان باشند، همه را بیرون می افکند و آنان به فرمان خدا و خواست او از دل زمین سر بر می آورند و برای پاداش و کیفر حرکت می کنند.

امّا به باور پاره ای، و زمین گنجینه ها و منابع و معادن متنوع خود را از شکم خود بیرون می ریزد و در برابر دیدگان مردم قرار می دهد، تا همگان بنگرند و گناهکاران و ظالمان حسرت و اندوه بخورند که چرا در راه زر و زور و انحصار آن ها دست به آن همه گناه و جنایت آلودند و در نیافتند که از زر

و زور کاری ساخته نیست، و نمی توانند زرپرستان و قدرت پرستان را از عذاب دردناك روز رستاخیز و سرای آخرت برهانند و نه تنها ذره ای از عذاب را از آنان بر نمی دارند که با همان سکّه ها و زر و سیم، پیشانی ها و پشت و پهلوهای استبدادگران را داغ می کنند.

سپس در اشاره به وحشت زدگی و بهت و حیرت انسان ها در آن لحظات می فرماید:

وَ قالَ الْإِنْسانُ ما لَها

وانسان از روی تعجب و بر اثر وحشت می گوید: راستی زمین را چه شده است؟ و این لرزش سخت برای چیست؟

به باور «ابومسلم» منظور این است که: زمین را چه شده است و در دل آن چه رویدادی رخ داده است که این گونه می لرزد؟

امّا به باور پاره ای منظور از انسان در آیه، نه همه انسان ها، بلکه انسان کفرگراست که هرگز به فرارسیدن رستاخیز ایمان نیاورده است، از این رو با تعجب و حیرت می پرسد: زمین را چه شده است؟ امّا انسان توحیدگرا و با ایمان، بدان دلیل که به روز رستاخیز و فرارسیدن آن باور دارد دچار حیرت نمی گردد و پرسش نمی کند.

در آیه بعد در مورد گزارش زمین از عملکردها می فرماید:

يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبارَها

در آن روز هراس انگیز، زمین خبرهای خود را باز می گوید و از عملکرد درست و نادرست انسان ها گزارش می دهد.

از پیامبر آورده اند که به هنگام تلاوت این آیات رو به مردم نمود و فرمود:

اتدرون ما اخبارها؟

آیا می دانید که خبرهای زمین در روز رستاخیز چیست؟

قالوا: اللّه و رسوله اعلم.

آنان گفتند: خدا و پیام آورش داناترند.

پیامبر فرمود:

اخبارها آن تشهد علی کل عبد،

و انّه بما عمل علی ظهرها، تقول: عمل کذا و کذا یوم کذا و کذا و هذا اخبارها.(۲۵۴)

گزارش ها و خبرهای زمین این است که بر عملکرد هر انسانی که در روی زمین انجام داده است، به طور روشن و مشخص گواهی می دهد و به هر کسی با نام و نشان می گوید: هان! تو بودی که چنین کاری را در آن ساعت، و آن روز، و آنجا انجام دادی.

در این مورد که زمین چگونه گزارش می دهد و گواهی می کند، دیدگاه ها متفاوت است:

۱ - به باور گروهی نسبت سخن و گواهی به زمین مجازی است، ممکن است خدای توانا قدرت سخن و کلام را به زمین بدهد؛ امّا به باور برخی ممکن است زمین را در چهره ای زنده پدید آورد تا سخن گوید و گواهی کند.

و از دیدگاه برخی منظور گواهی و گزارش حال زمین و فیلم رویدادهاست، نه گزارش زبانی. بسان رنگ و چهره انسان که از راز درون او گزارش می دهد، و بسان دیدگان انسان و سبک نگاه او که از کم خوابی و بیداری شبانه و خستگی و آشفتگی او حکایت می کند، و نیز بسان واکنش انسان در برابر گفتار و یا رفتارهاست که نشانگر موافقت یا مخالفت او با سخن و یاکاری است.

در ادامه سخن در این مورد به رمز گواهی و سخن گفتن زمین می پردازد و می فرماید:

بِأَنَّ رَبَّکَ أَوْحی لَها

این بدان جهت است که پروردگارت به زمین وحی کرده است.

در آیه روی سخن با پیامبر گرامی است و روشنگری می کند که گزارش و گواهی زمین به فرمان خدا و وحی و

الهام اوست.

به باور پاره ای منظور این است که: خدا به زمین وحی می فرستد که هر آن چه در شکم خود دارد، از مردگان، تا گنجینه ها، همه را بیرون می ریزد.

واژه وحی به معنی اشاره سریع و افکندن مفهوم و معنا به سوی دیگری به صورت پنهانی است.

به باور «فرآء» منظور گزارش زمین از همه رویدادهایی است که در آن رخ داده است و این کار به فرمان خدا انجام می گردد.

«ابن عباس» نیز همین دیدگاه را برگزیده و واژه «وحی» را به معنی فرمان و اجازه گرفته است.

از پیامبر آورده اند که فرمود:

حافظوا علی الوضوء، و خیر اعمالکم الصّلوه، فتحفظوا من الارض فانها امّکم، و لیس فیها احد یعمل خیراً او شرّاً الّا وهی مخبره به.(۲۵۵)

بر وضو و پاکیزگی خویش مراقب باشید، و بدانید که بهترین عبادت شما نماز و رابطه دوستانه و خالصانه شبانه روزی با خداست. مراقب زمین باشید که قرارگاه و مادر شماست، و هیچ کسی بر پشت آن کار پسندیده و یا ناپسندی انجام نخواهد داد، جز اینکه زمین از آن گزارش خواهد داد.

و نیز «خدری» آورده است که هرگاه در دشت و صحرا هستی، صدایت را به اذان طنین افکن ساز و با صدای بلند اذان بگو؛ چرا که پیامبر گرامی فرمود: هیچ پری و آدم و سنگ و صخره ای صدای شما را نمی شنود، جز اینکه در روز رستاخیز به سود اذان گو، گواهی خواهد داد.

لایسمعه جن و لا انس و لا حجر الّا یشهد له.(۲۵۶)

آن گاه در اشاره به پراکندگی مردم از نظر ظاهر و عملکرد و سیما و سیرت و فرجام و پاداش می فرماید:

یَوْمَئِذٍ

يَصْدُرُ النَّاسُ أَشْتاتاً

آن روز مردم به صورت های پراکنده از گورها سر بر می آورند و به سوی صحرای محشر می آیند.

به باور مفسران منظور این است که: در آن روز سرنوشت ساز، مردم هم به صورت پراکنده از دل خاک سر برمی آورند، و هم به صورت پراکنده می آیند، و هم پس از بازخواست و محاسبه ودیدن اعمال خویش به صورت پراکنده به سوی فرجام کار باز می گردند. آنجاست که گروهی اهل ایمان و پروا و دادگری و رعایت حقوق خدا و خلق او به حساب آمده و در یک سو قرار خواهند گرفت، و گروهی دیگر اهل کفر و ظلم و حق کشی که در سوی دیگر خواهند بود.

پاره ای نیز برآنند که اهل هر مذهب و دین، جدا خواهند ایستاد.

آیه مورد بحث بسان این آیه است که می فرماید:

و یوم تقوم الناس یومئذ یتفرقون(۲۵۷)

روزی که رستاخیز بر پا می گردد، آن روز مردم پراکنده می شوند.

و بسان این آیه که:

... یومئذ یصدعون(۲۵۸)

در آن روز مردم گروه گروه می شوند.

لِیُرَوْا أَعْمالَهُمْ تا عملکرد آنان را به آن ها نشان دهند.

«ابن عباس» می گوید: تا پاداش عملکرد آنان را به آن ها ارائه دهند.

با این بیان منظور این است که: مردم هنگامی که از محاسبه و بازخواست تمام می شوند، به طور پراکنده به سوی قرارگاه خویش می روند تا جایگاه خود را در بهشت پرطراوت و زیبا و یا دوزخ بنگرند.

در مورد چگونگی دیدن اعمال نیز دو نظر است:

از دیدگاه گروهی منظور از دیدن اعمال، نه دیدن با چشم ظاهر، بلکه آگاهی از عملکرد نیک و بد خویش از راه دل

و شناخت باطنی است؛ امّا به باور گروهی منظور دیدن با چشم ظاهر است تا بنگرند که هر آنچه انجام داده اند، همه و همه در کارنامه زندگی شان آمده، و هیچ کار خرد و کلان و کوچک و بزرگ وانهاده نشده و همه چیز به حساب آمده است.

در آیه بعد در بیان سرنوشت حق طلبان و رعایت گران حقوق مردم و پایمال کنندگان مقررات خدا و حقوق بندگان او می فرماید:

فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقالَ ذَرَّةٍ خَيْراً يَرَهُ

پس هر کس هموزن ذره ای نیکی کند، ثمره خوش آن کار نیک خود را خواهد دید.

و هر کسی به اندزه ذره ای کار ناروا و ظالمانه ای انجام دهد، او هم ثمره شوم و کیفر دردناک آن را خواهد دید.

وَ مَنْ يَعْمَلْ مِثْقالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ

همان گونه که استدلال شده، از ظاهر این آیات چنین دریافت می گردد که موضوع «احباط» یا نابودی اعمال نیک و شایسته انسان بر اثر گناهان سهمگین، درست نیست؛ چرا که آیات مورد بحث نشانگر آن است که هر انسانی عملکرد خود را می بیند، و در روز رستاخیز با آن رو به رو می شود و اگر «حبط عمل» را بپذیریم دیگر کاری نمانده است تا پاداش یا کیفر داده شود.

طرفداران این دیدگاه نمی توانند برای اثبات دیدگاه خود به موضوع «تکفیر» و یا بخشوده نشدن گناهان بر اثر توبه و اصلاح و جبران اشتباهات استدلال کنند، چرا که موضوع بخشوده شدن گناهان توبه کار راستین، چیزی است تردیدناپذیر و مفاهیمِ آیاتِ آن را دانشمندان پذیرفته اند.

افزون بر این، آیات بیانگر یک اصل و قانون کلی است و هر اصل کلی

ممکن است استثنایی داشته باشد؛ بر این باور همان گونه که طرفداران ظاهر این آیات با استدلال به ظاهر آن ها، موضوع «حبط عمل» را نفی می کنند، امّا بر این باورند که از شرایط محاسبه و باز خواست و کیفر گناه آن است که گناه، صغیره نباشد و این مورد را از آن اصل کلیّ استثنا می کنند، ما نیز می گوییم: این اصل کلی درست است و هر کس با اعمال خود رو به رو می شود، مگر این که گناهی باتوبه و اصلاح واقعی مورد عفو قرار گرفته باشد.

پاره ای در پاسخ این پرسش می گویند: منظور این است که انسان های کفرگرا و بیدادپیشه اگر کارهای شایسته ای در دنیا انجام دهند، پاداش آن را در همین جهان، خود یا فرزندانشان دریافت می دارند و تنها به همراه گناهان خود جهان را ترک می کنند.

و انسان های با ایمان و شایسته کردار نیز کیفر عملکرد اشتباه و گناه آلود خود را در دنیا دریافت می دارند و با گناه جهان را بدرود نمی گویند. با این بیان گناهکاران تنها از دنیا بار گران گناه می برند و نیکان و خوبان و مردم با ایمان عملکرد شایسته.

در این مورد آورده اند که «صعصعه»، نیای «فرزدق» به همراه گروهی از قبیله خویش به حضور پیامبر شرفیاب گردید و ضمن گفت گو از آن حضرت تقاضای پند و اندرز نمود فقال بابی انت یا رسول اللّه اوصنی خیراً.

پیامبر فرمود: تو را در مورد پدر و مادر و نزدیکان و خویشاوندانت سفارش می کنم، حقوق و حرمت آنان را پاسداراوصیک بامک و ابیک...

تقاضای سفارش و اندرز بیشتری کرد.

پیامبر فرمود: آن چه میان دو لب و دو پایت آفریده

شده است مراقب باش و زبان و اندام جنسی ات را از گناه مراقبت نمااحفظ مابین لحییک و رجلیک.

آن گاه از او پرسید از تو کارهای خوبی به من گزارش شده است، چه کرده ای؟

گفت: ای پیامبر خدا، واقعیت این است که در روزگار جاهلیت مردم را در بیراهه های دهشتناک حیران و سر گردان دیدم و نتوانستم شاهراه درستی و رستگاری را بیابم، جز همین اندازه که دریافتم راه و رسم جاهلیت، زشت و ظالمانه است. دیدم مردم دختران نوزاد خود را به جای نوازش و مهر، زنده به گور می کنند، و من دریافتم که آفریدگار آنان چنین نخواسته است؛ از این رو از این کار باز داشتم، و تا سرحد توان با پرداخت پول به پدرانشان، آن کودکان معصوم رانجات دادم. آن گاه آیات مورد بحث بر او خوانده شد و او با شنیدن آیات گفت: سپاس خدای را همین برای من کافی است و اگر جز همین دو آیه از قرآن را نشنوم و نیاموزم، این آیات مرا بسنده اند.(۲۵۹)

«ابن عباس» می گوید: احکم آیه فی القرآن، فمن یعمل مثقال ذره خیراً یره...

محکم ترین و رساترین آیه ای که می تواند انسان حق طلب را از گناه و و ستم و خودکامگی و خودسری باز داشته و به راه عدالت و آزادگی و رعایت حقوق مردم برد، همین آیه است، و آن گاه تا آخر سوره تلاوت کرد و گفت: پیامبر گرامی این آیه را «جامعه» نامید، چرا که به راستی جامع ترین درس هارا دارد.

و از «سعد» آورده اند که: مرد فقیری از او کمک خواست، و او دو عدد خرما بر دست وی نهاد، امّا او دست خود را

بست. «سعد» گفت: دوست من، وای بر تو! خدای ارزانی دارنده نعمت ها کار نیک را اگر چه به اندازه ذره ای باشد از ما می پذیرد، امّا تو این گونه رفتار می کنی؟!

پرتوی از سوره مبارکه در آیات الهام بخش و روح پروری که گذشت به این اصول عقیدتی و تربیتی به منظور انگیزش روح مسئولیت در فرد و جامعه و خانواده در قلمرو اندیشه و گفتار و عمل و روابط انسانی در ابعاد گوناگون توجه داده شده است:

۱ - زلزله هراس انگیز رستاخیز یا نخستین مرحله رستاخیز

فرارسیدن رستاخیز، که یکی از نشانه های آن در آستانه رخ گشودنش زلزله سخت آن و درهم نوردیده شدن زمین است. آیه نخست به این اصل توجّه می دهد.

۲ - زنده شدن مردگان مرحله دوّم از رستاخیز در این سوره، سر برآوردن و زنده شدن همه مردگان از دل زمین و حضور آنان در صحرای محشر است، که در آیه های ۲ و ۳ به آن توجه داده شده است.

۳ - گزارش شگفت آور زمین و گواهی آن پس از سر برآوردن انسان ها از دل زمین، نوبت به حسابرسی و رویارویی با عملکردها می رسد، و آن گاه است که در دادگاه رستاخیز گواهان متعددی بر عملکرد انسان گواهی می دهند که یکی از آن گواهان هم زمین است. آیه های ۴ و ۵ به این واقعیت توجه می دهد.

۴ - دسته های سعادتمند و تیره بخت پس از حضور در دادگاه رستاخیز و رویارویی با عمل کردها، آن گاه است که سرنوشت ها روشن می شود. گروهی نیک بخت خواهند بود و به سوی بهشت گام خواهند سپرد، و گروهی به

سوی دوزخ تا هر کدام ثمره تلخ و شیرین عملکرد خود را بچشند و بنگرند. آیه ۸ - ۶ به این حقیقت توجه می دهد.

۵ - دقت در حسابرسی و نگاهداری عملکردها

از نکات درس آموز و عبرت انگیز دقّت عجیب در حسابرسی و ثبت و ضبط و نگهداری عملکردها و یا ثمره و نتیجه عملکردهاست که انسان با ذره ذره کارهای نیک و یا شرم آور خود رو به رو می گردد.

در آیه های ۸ - ۷ این نکته به تابلو رفته است.

بارخدایا! ما را در آن روز سهمگین و مراحل گوناگون آن در سایه مهر و بخشایش وصف ناپذیرت پناه ده.

تفسیر اطیب البیان

سوره زلزال ، غرض سوره : بیان قیامت و احوال و حوادثی که در آن رخ می دهد.

(۱) (اذا زلزلت الارض زلزالها):(وقتی که زمین آن زلزله خاص را آغاز می کند)

(۲) (و اخرجت الارض اثقالها):(و آنچه از مردگان و معادن که در شکم خود داردبیرون می ریزد)

(۳) (و قال الانسان مالها):(و انسان با تعجب می گوید: زمین را چه شده ؟)

(۴) (یومئذ تحدث اخبارها):(در آن روز زمین ، اخبار و اسرار خود را شرح می دهد)

(۵) (بان ربک اوحی لها):(بواسطه اینکه پروردگار تو به آن وحی کرده که به زبان آید)(زلزله)یا (زلزال)به معنای تکان خوردن پی در پی و نوسان شدید است و (ثقل) به معنای متاع یا کالاـ یا حمل است .می فرماید: آن زمان که زمین زلزله هراسناک و شدیدی را که مخصوص اوست آغازمی کند، مرده گان یاگنجهاو معادنی راکه در درون خود دارد،بیرون می ریزد و انسانها(۴۷)بعد از سر برآوردن از خاک با وحشت و تعجب از

این اوضـاع و زلزله شدیـد و هولناک ،می گوینـد: زمین را چه شـده که اینطور متزلزل است ؟آنگاه زمین به اعمالی که آدمیان کرده اند، شهادت می دهد، همانطور که انبیاء وشهداء و ملائکه و اعضای بدن خود انسان نیز در باره اعمال انسان شهادت می دهنـد، واین خبردادن و شـهادت زمین به سبب این است که پروردگار تو به آن وحی کرده و فرمان داده تا سـخن بگوید و از اخبار حوادثی که در آن روی داده ،شـهادت دهد و از همین جامعلوم می شود که زمین هم مانند همه موجودات عالم صاحب شعور و درک است ، اگرچه انسان جز خودش به چیز دیگر توجه ندارد و از شعور این موجودات غافل است (۴۸).

(۶) (یؤمئـذ یصـدر النـاس اشـتاتا لیروا اعمـالهم):(در آنروز مردم بصـورت گروههـای پراکنـده و مختلف محشور می شونـد تا اعمال هر یک را به آنان نشان دهند)

(۷) (فمن یعمل مثقال ذره خیرا یره):(پس هر کس به سنگینی یک ذره ناچیز عمل خیری کرده باشد، آن را می بیند)

(۸) (و من یعمل مثقال ذره شـرا یره):(و هر کس به سـنگینی یک ذره ناچیز عمل شری کرده باشد، آن را می بیند)می فرماید: مردم در روز قیـامت از موقف حسـاب به سوی منزلهای ابـدی خود (که یابهشت است و یا دوزخ) باز گردانـده می شونـد، در حالیکه متفرق و متفاوت هستند و اهل سعادت از اهل شقاوت ممتاز می باشند، تا اعمال خود راببینند و جزا داده شوند، آنهم نه از دور، بلکه آنها را داخل در جزا می کنند و یا خود اعمالشان را بنا بر تجسم اعمال

به ایشان نشان می دهند.بعضـی مفسران (۴۹) صـدور مردم را به معنـای بیرون شـدن از قبر و تفرق آنها را به متمایزبودن از نظر سیما تفسـیر کرده اند.در ادامه می فرماید: هر کسـی که به اندازه سنگینی دانه ریز غبار که در شعاع آفتاب دیده می شود ویا به سنگینی مورچه ریزی ، عمل خیر یا شـر انجام داده باشـد، آن رامی بیند، یعنی هیچ عمل کوچك یا بزرگ و یا خیر و شـری از این ارائه اعمـال اسـتثناءنمی شود. در اینجـا توهمی در بـاره حبـط اعمال یا تکفیر آن پیش می آیـد که توضـیح آن این است : فردی که عملش حبط و باطل شـده ، حکمش ماننـد فردیست که اصولا عمل خیری انجام نداده تا بخواهد آن را مشاهده کند، به همین صورت توبه کننـدگانی که گناهانشان تکفیر شـده ، حکمشان حکم فردیست که گناهی ندارد و شـری مرتکب نشده تابخواهد در قیامت آن را ببیند،(دقت فرمایید).

تفسیر نور

مراد از <<اثقالهـا>>، مردگـان هسـتند که در قیـامت، زمین آنهـا را بیرون می افکنـد. چنـانکه در آیه ای دیگر می فرمایـد: <<و القت ما فیها و تخلّت>><۹۸۵>

حضور مردم در قیـامت بطور پراکنـده است. چنانکه در آیات دیگر می فرمایـد: <<اشـتاتاً>>، <<کانّهم جراد منتشـر>> <۹۸۶>، <<کالفراش المبثوث>><۹۸۷> حضور متفرق مردم در قیـامت یـا به خـاطر آن است که هر کس همراه رهبری که در دنیا انتخاب کرده، می باشد یا آنکه خوبان و

ان از یکدیگر جدا می شوند.

با اراده خـدا در قیامت، جمادات نیز به سـخن می آینـد، نه فقط زمین، بلکه اعضای بدن انسان علیه او گواهی می دهند. <<و قالوا لجلودهم لم شهدتم علینا قالوا انطقنا اللّه الّذی انطق کلّ شی ء>><۹۸۸>

در روایات آمده است

که در مکان های مختلف نماز بخوانید، زیرا آن مکان در قیامت برای شما شهادت می دهد.<۹۸۹>

در روایت دیگری آمده است که در بیابانها نیز اذان بگویید، زیرا به هر سنگ و کلوخی که صدای شما برسد، گواه قیامت شماست.

حضرت علی علیه السلام پس از آنکه بیت المال را تقسیم می کرد، دو رکعت نماز می خواند و به زمین خطاب می کرد: «اشهدی انّی ملئتک بحقّ و فرغتک بحق»<۹۹۰> ای زمین گواهی بده که من تو را از بیت المال بر اساس حق پر کردم و سپس بر اساس حق خالی کردم.

در روایات است که نحوه خبر دادن زمین این گونه است که می گوید: فلانی در فلان زمان فلان عمل را روی من انجام داد. <۹۹۱>

«مثقال» از «ثقیل» به معنای میزان سنگینی است و کلمه «ذرّه» یا به معنای کوچک ترین مورچه است و یا به معنای ذرات سبک پراکنده در هوا. البته امروز به اتم نیز ذرّه می گویند. ولی به هر حال مراد از آن کوچک ترین واحد وزن است.

در روایات می خوانیم: مرد عربی وارد مسجد پیامبر اکرم شد و گفت: «علّمنی بما علمک اللّه» از آنچه خدا به تو یاد داده مرا یاد بده! حضرت شخصی را مأمور آموزش قرآن به او کردند. معلم برای او سوره اذا زلزلت... را خواند، همین که به آیه <<فمن یعمل مثقال...>> رسی

مرد عرب گفت: «کفانی» مرا بس است و سپس رفت. پیامبر فرمود: «رجع فقیهاً»<۹۹۲>

در سوره لقمان نیز، لقمان به فرزندش می فرماید: اگر به اندازه وزن خردلی عمل نیک یا بد داشته باشی، در دل سنگ یا در اوج آسمان یا در زمین باشد، خداوند در قیامت برای حساب می آورد. <<یا بنیّ انّها اِن

تکُ مثقال حبّه من خردل فتکن فی صخره او فی السموات او فی ا

رض یأت بها اللّه>><۹۹۳>

گواهی و شهادت زمین در قیامت، بیانگر آن است که در همین حال، زمین آگاهانه کارهای ما را درک می کند و در آن روز با فرمان و وحی الهی بازگو می کند.

جناب آقای حسان در دیوان خود، آیات سوره زلزال را این گونه به نظم در آورده است:

این زمین در آن زمان پر بلا

ناگهان چون زلزلت زلزالها

از درونش اخرجت اثقالها

با تعجب قال الانسان مالها

مردگان خیزند بر پا کلّهم

تا همه مردم یروا اعمالهم

هر که آرد ذرّهً خیراً یره

یا که آرد ذرّهً شرّاً یره

آن زمان خورشید تابان کوّرت

کوههای سخت و سنگین سُیّرت

آبها در کام دریا سجّرت

آتش دوزخ به شدت سعّرت

چون در آن هنگام جنّت ازلفت

خود بداند هرکسی ما احضرت

اضافه شدن زلزله به زمین <<زلزالها>> هم رمز عظمت زلزله است و هم رمز گستردگی آن در تمام زمین. در اولین آیه سوره حج نیز عظمت این زلزله مطرح شده است: <<انّ زَلزله الساعه شی ءٌ عظیم>> در خطبه ۱۵۷ نهج البلاغه نیز می

خوانیم: «عباد اللّه احذروا یوما تفحص فیه

لاعمـال و یکثر فیه الزلزال و تشـیب فیه الاطفال» بنـدگان خـدا! بترسـید از روزی که در آن، تمام اعمال بررسـی شود، زلزله ها زیاد می شود و کودکان (به خاطر طولانی بودن یا سختی آن روز) پیر می شوند.

۱- زلزله بزرگ زمین در آسـتانه قیـامت، امری قطعی و حتمی است. <<اذا زلزلت الاـرض زلزالهـا>> (کلمه اذا در موردی بکار می رود که امر قطعی باشد)

۲- معـاد جسـمانی است. (جسم انسانهـا در زمین دفن شـده که در قیـامت خـارج می شود، نه روح آنهـا) <<اخرجت الارض اثقالها>>

۳- قیامت روز تحیّر انسان است. <<قال

الانسان ما لها>>

۴- هستی شعور دارد. <<یومئذ تحدث اخبارها>>

۵ - زمین از گواهان قیامت است. <<یومئذ تحدّث اخبارها>>

۶- در قیامت راه هرگونه انکار بسته است. <<یروا اعمالهم>>

۷- همه مردم در دادگاه عدل الهی یکسان اند. <<فمن یعمل... فمن یعمل...>>

۸ - کیفر و پاداش الهی، بر اساس عمل است. <<فمن یعمل... فمن یعمل...>>

۹- عمل هر چه هم کوچک باشد، حساب و کتاب دارد. لذا نه گناهان را کوچک شمرید و نه عبادات را. <<مثقال ذرّه>>

۱۰- تجسم و دیدن عمل در آن روز خود عذاب یا لذت است. <<یره>>

«والحمدللّه ربّ العالمین»

تفسیر انگلیسی

See commentary of Ghashiyah.

It refers to the uprooting which will take place when the present order of the world is destroyed and the new order of justice and truth begins in the spiritual hereafter. It will dissolve the material world as if it never existed.

(see commentary for verse ١)

As after the terrible disaster the day of judgement will begin, it will be so a far-reaching convulsion that no earthquake which has taken place before can even be compared to it. It only gives some idea of the world-shaking event. Having no idea of such a tremendous convulsion, consequences of which will be totally different from any convulsion experienced by man, he will not be able to make head or tail of it. He will be in a puzzled agony of total confusion.

The earth will divulge all the events that ever took place on her. The present order will pass away, but the deeds done therein, even the most secret, will be made known

when Allah will give

the command. See commentary of Nahl: ۶۸ for the inspiration (wahi) or direction given .to bees

It is written in Minhajus Sadiqin that according to Fatimah Zahra one day an earthquake sent the people of Madina into a panic, and all of them along with Abu :Bakr and Umar came to Ali. He took them outside the city and addressed them

The quaking of the earth has overwhelmed you with fright. What will you do when it" "?will quake before the day of judgement

Then he put his hand on the earth and commanded it to cease quaking. It stopped to :quake. He said

Do you wonder at what has happened? I am he to whom the earth will speak on the" .day of judgement," and recited surah al Zilzal

(see commentary for verse ۴)

.Refer to Infitar: ۵

In this world good and evil is mixed together, but on the day of resurrection each grade of good and evil will be sorted out. So they will proceed in groups to receive judgement. Refer to the commentary of Bani Israel: ۷۱. They will be shown the exact import of everything that they had thought, said and done in the life of this world of .test and trial

.See commentary of Baqarah: ۴۸; An-am: ۱۶۵; Rum: ۷; Fatir: ۱۸ and Najm: ۳۸

The smallest deed, good or bad, will be taken into account for reward or punishment. No one will be deprived of the fruit of any good deed done by him, nor spared the .punishment for the evil deed committed by him

Aqa Mahdi Puya

:says

Verse ۶ refers to the first stage of resurrection. At the stage of judgement intercession (see commentary of Baqarah: ۴۸) will be allowed to whomsoever Allah .wills and gives permission

(see commentary for verse ۷)

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِی الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹